

جنایتی که بر ملا شده، فقط نوک کوه یخ است

بیشتر از این تعدادند و آنچه که از موج تازه کشتار بر ملا شده، "فقط نوک کوه یخ است" به گزارش عفوبین الملل در همه زندانهای سیاسی ایران به کشتار زندانیان پرداخته‌اند و اعدام شدگان منحصر به زندانیان این و یا آن اسارتگاه نمی‌باشند. بنا بر این گزارش، در مورد موج تازه کشتار از اواخر ماه ژوئیه (اواسط مرداد) اطلاع حاصل شده است.

هغو بین الملل در گزارش خود نوشته است مقامات جمهوری اسلامی ابتدا منکر موج تازه اعدام زندانیان سیاسی بودند، اما اخیر آشکارا به این امر معترف شده‌اند. بعنوان نمونه خامنه‌ای، رئیس‌جمهور حکومت اسلامی کشتار وسیع زندانیان سیاسی را تأیید کرده است.

در روز سه‌شنبه ۱۳ دسامبر سازمان هغو بین الملل گزارش تازه‌ای در رابطه با قتل عام زندانیان سیاسی در ایران انتشار داد. در این گزارش آمده است که در ماه‌های اخیر "صدها و بلکه هزاران نفر" در ایران اعدام شده‌اند. موج تازه کشتار کم سابقه بوده و هغو بین الملل تا کنون توانسته است از منابع مختلف اسامی بیش از ۳۰۰ نفر از اعدام شدگان را بدست آورد. هغو بین الملل تأکید می‌کند که اعدام شدگان بسی



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۷ برابر ۱۹ دسامبر ۱۹۸۸
بهاره عریال سال پنجم شماره ۳۳۸

وبازنامه‌های تازه از اعدام شدگان اخیر

هر نام را به یک پرچم تبدیل کنیم!

در صفحه ۳

تروویسم صادراتی: چهره دیگری از رژیم جنایتکار خمینی

کراچی تیراندازی کردند. یک تن از مجروحین، رفیق فدایی محمود رضا یکبند پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. او قربانی تروویسم صادراتی حکومت شد که چهره دیگری از این رژیم جنایتکار است. یادنامه رفیق محمود رضا یکبند در صفحه ۸ درج شده است.

اینان قربانیان تروویسم رژیم خمینی در شهر کراچی پاکستان اند. در روز ۵ دسامبر تروویست‌های جمهوری اسلامی به سوی عده‌ای از پناهندگان ایرانی در شهر کراچی آتش‌گشودند و ۵ تن از آنها را مجروح کردند. آدمکشان اهزامی از سوی حکومت خمینی سوار بر یک ماشین اقدام‌کننده و یک ماشین

حمایتی و با دلگرمی از شرایط و حمایت‌های موجود در پاکستان، با گستاخی تمام به ایرانیانی که برای اعتراض نسبت به کشتار زندانیان سیاسی در ایران اجتماع کرده بودند حمله برده و با کلت به سوی حاضرین در مقابل دفتر سازمان ملل در



فدایی شهید محمود در ضایکبند



۳ نفر از مجروحین حمله تروویست‌های خمینی در پاکستان

اعتراضات دانشجویی در تهران و شهرستانها

دانشجویان دسته‌جمعی به نزد رئیس دانشگاه رفتند. انجمن اسلامی در آغاز تلاش داشت خود را با دانشجویان همسو نشان دهد. دانشجویان به رئیس دانشگاه برای پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان سه روز مهلت دادند. جماد دانشگاهی، رئیس دانشگاه و "سپاه پاسداران دانشگاه" طی اطلاعیه‌هایی حرکات دانشجویان را محکوم کرده و آنها را تهدید و این حرکات را تحت رهبری چپ‌ها معرفی کردند. اعلامیه‌ای که با امضا گروهی از دانشجویان پخش شده بود و در آن بر خواسته‌های صنفی دانشجویان و بر ضرورت حرکت مشترک تأکید شده بود در میان دانشجویان تأثیر بسیار مثبتی داشت. به دنبال بالاگرفتن اعتراض دانشجویان، انجمن اسلامی، ظاهر سازی را کنار گذاشت و از دانشجویان خواست از هر حرکت جمعی بقیه در صفحه ۲

بنا بر گزارش‌های رسیده، طی هفته‌های اخیر دانشگاه‌های صنعتی تهران، ملی، تبریز، اصفهان و هلمو صنعت شاهد بروز اعتراضات دانشجویی بوده است. در دانشگاه صنعتی تهران و دانشگاه ملی، در جریان این اعتراضات دانشجویان خشم خود را به صورت وارد آوردن خساراتی به نهارخوری دانشگاه نشان دادند، وضعیت بسیار بد رفاهی و معیشتی دانشجویان، در دانشگاه‌ها زمینه گسترده‌ای برای شکل‌گیری حرکات اعتراضی فراهم کرده است. در دانشگاه صنعتی در روز ۲۵ آبان بخاطر یافته شدن شیشک و گرم در غذاها اعتراض دیرینه به کیفیت غذای نهارخوری دانشگاه شکل حادی به خود گرفت. دانشجویان سالن غذاخوری را در چند لحظه زیر و رو کردند. ظرفها به هوا پرتاب شد و به سنت دیرینه اینگونه اعتراضات شیشه‌های نهارخوری خرد شد.

در این شماره

جلوه‌هایی

از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف

در صفحه ۹

جهان در غم ارمنستان شریک است

در صفحه ۱۴

از رنج آوارگان کرد در اردوگاه‌های تویکه

در صفحه آخر

پیروزی بزرگ خلق فلسطین

در صفحه آخر

اخباری از قبه‌کاری و پلیدی بی‌حدومرز

بخشی از یک گزارش:

روستایی است که شهیدی از این قتل‌عام نداشته باشد. مردم با اظهار همدردی با خانواده شهید این جنایت را محکوم میکنند، وقتی عکس یک رفیق شهید را به عکاسی بردیم که بزرگ کنده عکاس گفت چون عکس اشکالاتی دارد، باید خود فرد باشد، به عکاس گفتیم که وی توسط رژیم شهید شده است. عکاس گفت در این هفته این پنجمین عکاس است که بخاطر اعدام شدن برای بزرگ کردن آورده‌اند. وی از گرفتن پول عکس خودداری کرد. وقتی به گل فروشی مراجعه کردیم و تمام موجودی رفیق شهید را که از زندان تحویل گرفته بودیم گل خریدیم و به گل فروش گفتیم این آخرین پول شهید است که از زندان تحویل گرفته‌ایم، گل فروش دسته بسیار بزرگی گل نرگس بطور مجانی داد که به یادبود شهید در میان مردم تقسیم کنیم. در مراسم شهید... بیش از ۱۵۰ نفر حضور داشتند هیچکس سیاه پوشیده بود. همسر شهید لباسی سراسر سفید برتن کرده بود. دوستان و خانواده وی از مبارزات وی و شرح زندگی و خاطراتش سخن گفتند. مراسم با سرود تمام شد. مردم وقتی می‌رفتند از طرف خانواده شهید اهدامی به هر کدام یک شاخه گل رز دادند. هرکس به طریقی اظهار همدردی می‌کرد. یکی می‌گفت این خون‌ها خشک نمی‌شود و بر زمین نمی‌ماند. دیگری می‌گفت... جاودانه شد... روز انتقام دور نیست و...

در رشت پیرمرد کشاورزی که از رفتن و آمدن به زندان و عدم دیدار فرزند زندانی خود به تنگ آمده بود جلوی در زندان ایستاد و گفت اگر امروز پسر من را به من نشان ندهید من از اینجا تکان نمی‌خورم. مزدوران رژیم به وی گفتند اگر ۶۰۰۰ تومان و پول یک جعبه شیرینی بیاوری گور فرزندت را به تو نشان می‌دهیم. به دنبال فریادهای پیرمرد و شعار دادن او علیه خمینی خون‌آشام، پیرمرد را به داخل برده پس از زدن کتک فراوان و هجران کردن شدید او، رهایش کردند...^{۱۱}

در تهران از اواخر آبان رژیم طبق برنامه از پیش تعیین شده هر روز در ساعت‌های معین و به‌تتابع شروع به احضار خانواده‌ها کرد. خانواده‌های زندانیان که اکثراً زن بودند چون متوجه حادثه‌ای تلخ شده بودند شروع به داد و فریاد و شعار دادن و حمله به رژیم می‌کردند. مأمورین که امکان کنترل وضعیت را نداشتند، چندین روز متوالی خانواده‌ها را سردوانده و امروز و فردا می‌کردند. سرانجام اعلام کردند که باید فقط یک مرد از هر خانواده و در روز معین بیاید و همراه خود دیگر افراد خانواده را نیاورد. در یک گروه که شامل ۱۲ مرد و یک زن می‌شد جلوی درب اوین چشمپاشان را بستند و آنها را به داخل منتقل کردند و با چشم بسته رو به دیوار نگاهداشتند. بازجوی روی صندلی نشست و هر کدام از خانواده زندانیان را بازجویی می‌کرد و به آنها خبر اعدام عزیزانشان را می‌داد و در ضمن یک ساک که حامل وسایل شخصی زندانی بود نیز به فرد منتسب به خانواده می‌داد و از آنها تعهد کتبی گرفتند که از چاپ آگهی تسلیت در روزنامه و در سطح شهر و همچنین برگزاری مراسم خودداری کرده و از ارسال عکس و بیوگرافی و خبر اعدام به خارج جلوگیری کنند. تلفنی به آنها دادند که در صورتیکه کسانی از داخل و خارج با آنها تماس گرفتند به آن شماره تلفن کنند. رژیم از ترس انعکاس این جنایات خانواده‌ها را می‌ترساند و حتی آنها را تهدید کرد که اعضای دیگر خانواده را دستگیر می‌کند تاکنون هیچ نشانه‌ای از محل دفن شهید به خانواده‌ها داده نشده است فقط به بعضی‌ها گفته‌اند که تا ۴۰ روز دیگر محل دفن شهید را به آنها اطلاع خواهند داد.

بدون استثنا خانواده‌های شهید تبدیل به کانون‌های مبارزه علنی علیه رژیم شده‌اند. خانواده‌ها با برگزاری مراسم سیاست رژیم را با شکست مواجه کردند. خانه‌های شهید محل رفت‌وآمد مردم شده است. ابعاد فاجعه اینجا گسترده است که کمتر خیابان و شهر و

اعتراض نمایندگان شرکت کننده در هفتمین کنگره سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا علیه کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران

هفتمین کنگره سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا از تاریخ ۲۴ الی ۲۸ نوامبر در دهلی نو پایتخت هندوستان تشکیل شد. نمایندگان ۸۹ کشور و ۱۰ سازمان در این کنگره شرکت داشتند. مراسم افتتاحیه این کنگره با سخنرانی راجیو گاندی نخست‌وزیر هندوستان آغاز گردید. شخصیت‌های برجسته جنبش همبستگی آسیا و آفریقا از جمله مهمانان شرکت کننده در این کنگره بودند که در این میان چهره‌هایی چون سام نجو مار رئیس سازمان خلق‌های جنوب شرقی آفریقا (سواپو)، خان عبدالولی خان رهبر حزب عوام ملی پاکستان، رامش چاندر را رئیس شورای جهانی صلح و... دیده می‌شدند. نمایندگان شرکت کننده در این کنگره روز ۲۶ نوامبر با رئیس‌جمهور هند نیز دیدار داشتند.

شرکت کنندگان در این کنگره طی امضا متن همبستگی با زندانیان سیاسی ایران اعتراض خود را نسبت به کشتار زندانیان سیاسی ایران اعلام نمودند.

متن این اعلامیه به قرار زیر است:

رژیم جمهوری اسلامی ایران فرزندان پرافتخار مردم ایران را زندانی کرده است. همه جهان آگاه هستند که ده‌ها هزار از کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، روشنفکران، سربازان و مردان و زنان کشور ایران در زندان و هزاران نفر تاکنون بابتوسله اعدام یا در سلول‌های شکنجه شهید گردیده‌اند. اخیراً در زندان‌های رژیم ج.ا. کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی افزایش یافته است. بعد از قبول قطعنامه آتش‌بس از سوی رژیم بخاطر وضعیت بحرانی اقتصادی و اجتماعی، رژیم از زندانیان سیاسی انتقام می‌گیرد. اکثر کشتار دسته‌جمعی زندانیان بعد از قبول قطعنامه آتش‌بس صورت گرفته است. بر طبق خبرهای رسیده تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به سلول‌های انفرادی برای اعدام انتقال یافته‌اند. از ملاقات خانواده‌های زندانیان سیاسی با آنان جلوگیری گردیده است. سازمان ملل متحد و هغو بین‌الملل تاکنون چندین قطعنامه در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی و برای آزادی آنان صادر کرده است. صدای اعتراض خود را برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران بلند کنید.^{۱۲} در میان امضاکنندگان قطعنامه فوق نام نمایندگان کشورها و سازمان‌های زیر به چشم می‌خورد:

جمهوری یمن	تائز انیا
مراکش	ماداگاسکار
بنگلادش	لائوس
تونیس	قبرس
پرتغال	موریتانی
پاکستان	اردن

اعتراضات دانشجویی در تهران و شهرستانها

بقیه از صفحه اول

مقامات رژیم غیرمستقیم به وجود اعتراضات در دانشگاه‌ها اعتراف کرده‌اند. این اعتراف، در یک سخنرانی خامنه‌ای در شیراز و نیز اظهارات سرحدی‌زاده وزیر کار در کنگره شوراهای اسلامی کار^{۱۳} بازتاب یافت. سرحدی‌زاده گفت: «کارگران مسلمان باید نقش اصلی خود را ایفا کنند و اجازه ندهند که برخی مثل دانشجویانی که مسلمان مسلمان نیستند در این شرایط بر سر کمبودهای جزیی سرو صداهای بیاندازند و از هر مساله جزیی، مساله سیاسی ایجاد کنند» (کیهان، ۱۰ آذر ۶۷)

خودداری کنند. در هفتگرد حادثه مزبور دانشجویان اعلام کردند که از خوردن غذا در سلف سرویس خودداری خواهند کرد. ۵۰۰ نفر به این خواسته جواب مثبت دادند. دانشجویان پیشگام با انتشار اعلامیه‌ای ضمن تشریح وقایع، چهره ارگان‌های سرکوب و بویژه انجمن اسلامی را افشا کردند. پاسداران و کمیته‌چی‌های رژیم برگشت‌های خود در سطح دانشگاه‌ها افزوده‌اند.

وبازنامهائی تازه از اعدام شدگان اخیر

هر نام را به یک پرچم تبدیل کنیم

در این زمینه کوشا باشیم .
نام هر شهید، یک پرچم رزم است . این انبوه درفشهای مبارزاتی را باید به اهتزاز در آوریم و نگذاریم یک قطره خون به زمین ریخته شده، فراموش شود .

در افشاگری های بین المللی، اسامی شهیدان مهم ترین اهرم مبارزاتی ماست . چه سندی روشنگرتر از انبوه نامهایی که هر یک محور دادخواهی خلق در برابر رژیم جنایتکار خمینی است . این نامها را در همه جا انتشار دهیم . آنها را در همه کشورها در اختیار همه مطبوعات، احزاب سیاسی و سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر بگذاریم . در این زمینه، مدام باید آهنگ کار را سرعت بخشیم و هیچ امکان افشاگری را از دست ندهیم . وظیفه تک تک ما این است که تلاش و رزم دامنه افشاگری ها را با بعدناجعه همخوان کنیم .

اسامی تازه های که بدست ما رسیده است :

هر روز و هر هفته زوایای تازه ای از جنایت عظیم رژیم خمینی در کشتار زندانیان سیاسی بر ملا می گردد . مدام نامهای دیگری بر فهرست اعدام شدگان افزوده می شود و همانگونه که در گزارش اخیر سازمان هفوبین الملل آمده است این تازه، نوک کوه یخ است .

در شماره گذشته نشریه اکثرت، نام ۱۹۴ تن از اعدام شدگان اخیر، اعلام شد . در طی هفته گذشته ۸۸ نام دیگر به اطلاع ما رسیده است . در اینجا یکبار دیگر از همه خوانندگان نشریه می طلبیم که ما را در تکمیل و تدقیق فهرست اسامی شهیدان یاری رسانند . هر خبری را که در زمینه کشتار اخیر و زندانیانی که به شهادت رسیده اند، در اختیار دارید سریعاً به اطلاع ما برسانید . با هر خبری گوشه دیگری از جنایات رژیم جمهوری اسلامی بر ملا می گردد .

کسب خبر از داخل در زمینه کشتار زندانیان سیاسی و انتشار و وسیع آن در داخل و خارج، یک وظیفه انقلابی، مردمی و انسانی است . باید که همگی

- ۲۴۵ - حسین صفوی نیا
- ۲۴۱ - حمیدطاهری (سازمان چریک های فدایی خلق اقلیت)
- ۲۴۲ - محمدرضا طباطبائی طبری (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۲۴۳ - مهر دادعاطفی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۴۴ - بهزاد عبدالهی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۴۵ - عرب وزیر (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۴۶ - مسعود دلایی خستو (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۴۷ - مهدی هماری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۴۸ - پرویز فراست (حزب توده ایران)
- ۲۴۹ - فرج پور
- ۲۵۰ - خانم تلاحتی
- ۲۵۱ - اصغر قباقلو (حزب توده ایران)
- ۲۵۲ - محی الدین قادری (اعدام شده در زندان سقز)
- ۲۵۳ - سلمان قاسمی
- ۲۵۴ - علیرضا قاسمی
- ۲۵۵ - محمود تقی پور (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۵۶ - قنبری
- ۲۵۷ - زین العابدین کاظمی (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۲۵۸ - کفایش پور
- ۲۵۹ - مسن کیانفر
- ۲۶۰ - رضا کیایی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۶۱ - منوچهر گرم رودی
- ۲۶۲ - گلپایگانی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۶۳ - حمزه محبوب (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۶۴ - محمدی زاده
- ۲۶۵ - محمود زاده (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۶۶ - مسعودی تر
- ۲۶۷ - مجتبی مطلع سرابی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۶۸ - حمید معصومی
- ۲۶۹ - رضامعظمی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۷۰ - بیژن مکنونی
- ۲۷۱ - سیامک ملکی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۷۲ - علی ملکی (اعدام شده در زندان سقز)
- ۲۷۳ - منصور موسوی (رزمندگان)
- ۲۷۴ - میرزا محمد میرزا محمدی
- ۲۷۵ - لطفعلی میرساردو (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۷۶ - حمید میکائیل (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۷۷ - نوربخش
- ۲۷۸ - اسفندیار نیک منش (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۲۷۹ - وطن خواه
- ۲۸۰ - ماوشکویه
- ۲۸۱ - پرویز همایونی
- ۲۸۲ - یگانگی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۸۳ - ...
- ۲۸۴ - ...

- ۱۹۴ - ...
- ۱۹۵ - عزیزالله ابراهیمی گودرزی
- ۱۹۶ - رحیم ابراهیمیان (اعدام شده در زندان ارومیه)
- ۱۹۷ - محمد احمد نژاد (اعدام شده در زندان سقز)
- ۱۹۸ - اسماعیلی
- ۱۹۹ - دکتر محمد حسین اکبرزاده یوسفی
- ۲۰۰ - محمود اکبری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۰۱ - رضا اکرامی
- ۲۰۲ - اقبال فرزندی سوزور (اعدام شده در زندان سقز)
- ۲۰۳ - اوپسی
- ۲۰۴ - بابایی
- ۲۰۵ - بهمن باقرزاده (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۰۶ - احمدبانی چنگ او
- ۲۰۷ - ناصر بدری
- ۲۰۸ - محمدرضا محمدی بهمن آبادی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۰۹ - مریم محمدی بهمن آبادی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۰ - محمدعلی پرتوی (مبارز و زندانی سیاسی سرشناس دوران ستمشاهی)
- ۲۱۱ - پناهنده
- ۲۱۲ - هوشنگ پیرنژاد
- ۲۱۳ - تاجگردان
- ۲۱۴ - جابر تهران کعبی
- ۲۱۵ - ثابتی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۶ - مولا جبلی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۱۷ - جعفر جهانگیری
- ۲۱۸ - حجازی
- ۲۱۹ - امیر حسین حسینی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۲۰ - حسن حقیقت (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۲۱ - مصطفی خضری (اعدام شده در زندان سقز)
- ۲۲۲ - حسن خوانساری
- ۲۲۳ - منصور داوودان
- ۲۲۴ - فتحی دیانت (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۲۵ - حمید دوست محمدی
- ۲۲۶ - رحمتیان
- ۲۲۷ - احمد رحیمی
- ۲۲۸ - احمدعلی رضوی (حزب توده ایران)
- ۲۲۹ - عادل روزدار (حزب توده ایران)
- ۲۳۰ - رودری
- ۲۳۱ - زنجانی
- ۲۳۲ - منوچهر سرحدی (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۲۳۳ - رسول سلجوتی
- ۲۳۴ - دکتر مهدی سلیمانی (حزب توده ایران)
- ۲۳۵ - بهمن شاکری
- ۲۳۶ - علی شبانی (حزب توده ایران)
- ۲۳۷ - سیامک شکومی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثرت)
- ۲۳۸ - نادر صبری
- ۲۳۹ - صفری (سازمان مجاهدین خلق)

کشمکش حکومتیان بر سر قانون اساسی

بخشی از سخنان خامنه‌ای رئیس جمهور در خطبه‌های نماز جمعه ۱۱ آذر به بحث پیرامون «قانون اساسی جمهوری اسلامی» اختصاص داشت. وی با اظهار اینکه «مانمی‌گوییم قانون اساسی بی‌عیب است بلکه عیوبی هم دارد که روزی آنها برطرف خواهد شد»، مخالفین «تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام» را به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: «مشکلاتی که ممکن است با رعایت قانون اساسی بوجود آید... بر عهده رهبری و مدیر جامعه است که راه را باز کرده و مشکل را حل کند... تشکیل مجمع تشخیص مصلحت به دستور امام، در همین زمینه بوده است و این امر نه تنها منافات با قانون اساسی ندارد بلکه متمم و موید آن نیز میباشد». «در قانون اساسی سیاست‌گذاری کشور معین نشده و هیچ ارگان و یا شخصیتی به عنوان مسئول این کار مشخص نشده است».

چهار روز پیش از اظهارات خامنه‌ای، ۹۷ تن از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به خمینی با ادامه فعالیت «مجمع تشخیص مصلحت» ابراز مخالفت کرده و تشکیل آن را خلاف «قانون اساسی جمهوری اسلامی» ارزیابی کرده بودند. همزمان با خامنه‌ای که در تهران سخن می‌گفت، مشکینی رئیس مجلس خبرگان و امام جمعه قم در خطبه‌های نماز جمعه اظهار داشت: «با پایان جنگ تحمیلی و بهبود وضعیت اقتصادی باید به همراه بازسازی کشور در مواردی از قانون اساسی نیز تجدید نظر شود». «طی روزهای اخیر مطالب مشابهی در مجلس از سوی سایر نمایندگان اظهار شده است. نماینده‌های روز پنجشنبه ۱۰ آذر گفت: از مقام محترم رهبری و قائم مقام رهبری تقاضا می‌کنم زمینه تشکیل مجلس خبرگان متمم قانون اساسی را فراهم آورند».

کمبود سوخت و خاموشی‌های طولانی

با فرارسیدن فصل سرما، کمبود سوخت و خاموشی‌های طولانی مدت برق بر انبوه مشکلات روزمره مردم افزوده شده است. کمبود «گاز» و «گازوئیل» به حدی است که بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی به حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده‌اند و نیروگاه‌های تولید برق به دلیل فقدان سوخت مصرفی قادر به تولید برق با ظرفیت مورد نیاز نیستند. حتی کارخانجات آردسازی و بیمارستان‌ها نیز دچار اختلال فعالیت شده‌اند. خاموشی‌های روزانه، گاه به ۱۸ ساعت (از ساعت ۵ صبح تا ۲۳ شب) می‌رسد و فرار است برای جلوگیری از گسترش اعتراض مردم، برنامه خاموشی به چندین نوبت در ساعات متوالی در روز تقسیم شود. سخنگوی وزارت نیرو هفته گذشته در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری

اسیران جنگی به گروگان رژیم‌های ایران و عراق مبدل شده‌اند

کارشکنی در روند مبادله اسرا و عامل اصلی بن بست اجرای تفاهم‌نامه است. دولت عراق نیز ادعای مشابهی را طرح کرده و بویژه تأکید دارد که ۱۹۵ اسیر معلول و مجروح عراقی که می‌بایست در دور اول و دوم استرداد میشدند، بدون قید و شرط آزاد شوند.

دبیرکل صلیب سرخ، هفته گذشته پس از دیدار با پرز دو کوئینار دبیرکل سازمان ملل ضمن ارایه گزارش روند مبادله اسرا، اظهار داشت که «اسیران جنگی به گروگان‌های سیاسی در مبارزه بین ایران و عراق مبدل شده‌اند، چنین رفتاری با اسیران جنگی هم از لحاظ بشر دوستانه و هم از نظر قوانین بین‌المللی قابل قبول نیست». قرار بود که اسیران معلول و مجروح از روز بیستم آبان تا ۱۴ آذر سال جاری مبادله شوند و در این فاصله لیست سایر اسرای مجروح و بیمار به منظور ادامه استرداد همه اسرای بیمار و مجروح در اختیار نمایندگان صلیب سرخ در تهران و بغداد قرار گیرد تا استرداد آنان پیش از پایان هفته دوم دی ماه عملی شود.

به نوشته روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی دبیرکل سازمان ملل قصد دارد برای میانجیگری در مذاکرات ایران و عراق به تلاش تازه‌ای دست بزند. وی دو هفته پیش در ژنو اعلام داشت که به منظور کمک به از سرگیری مذاکرات طرفین، در آینده نزدیک به تهران و بغداد خواهد رفت تا با رهبران هر دو کشور ملاقات کند. پرز دو کوئینار زمان سفر خود را به وزرای خارجه هر دو کشور اطلاع داده است.

آخرین دور مذاکرات ایران و عراق یکماه پیش متوقف شد و برای ادامه گفتگوها زمان معینی اعلام نشده. تنها گفته شد که تا آغاز سال جدید میلادی مذاکراتی انجام نخواهد شد. هم‌اکنون نه تنها مذاکرات متوقف شده و گزارشی از روند گفتگوی ایران و عراق بازتاب نیافته است بلکه مبادله اسرا نیز با کارشکنی هر دو طرف بعد از آزادی تنها ۳۱۱ اسیر معلول و مجروح متوقف شد. رژیم ایران مدعی است که عراق در دو مورد تفاهم‌نامه مربوط به مبادله اسیران معلول و مجروح را نقض کرده و آغازگر



اسرای ایرانی در اردوگاه رمادیه - عراق

سپردن ۲ میلیون ریال وثیقه برای استفاده دانشجویان از تسهیلات فیرارزی

راچنین برشمرده: معافیت از نظام وظیفه در دوران اشتغال به تحصیل، تمدید و تجدید رایگان گذرنامه، معافیت از عوارض گمرکی، مهر خروج از کشور، معافیت از عوارض خروج از کشور، صدور بلیط‌ریالی هواپیما برای مسافرت به کشور - سالی سه بار، همسر و فرزندان دانشجویان نیز مشمول این تسهیلات هستند.

بر اساس اظهارات معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی بر خورداری دانشجویان از تسهیلات فیرارزی مشروط به سپردن وثیقه نقدی یا ملکی به دولت است.

مبلغ وثیقه برای اروپا و آمریکا ۲ میلیون ریال اعلام شده است.

معاون وزارت فرهنگ و آموزش عالی ابراز داشت که با اجرای مقررات جدید وزارت فرهنگ و آموزش عالی همه دانشجویان شاقبل به تحصیلی در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در خارج از کشور از تسهیلات فیرارزی برخوردار خواهند شد. این تسهیلات که قبلاً فقط به دانشجویان دارای کارت اقامت دانشجویی تعلق می‌گرفت از این پس شامل دانشجویانی که از لحاظ اقامت وضع ناروشن و بلاتکلیفی دارند نیز خواهد شد و آن دسته از دانشجویان ایرانی که هنوز نتوانسته‌اند اجازه اقامت دانشجویی بگیرند، مجاز خواهند بود از تسهیلات فیرارزی بهره‌مند شوند. معاون وزیر فرهنگ برخی از این تسهیلات

از رنج آوارگان کرد، در اردوگاه‌های ترکیه



این رو ترکیه به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل اجازه کمک به آوارگان کرد را نمی‌دهد. در نتیجه، از ۳۰۰ میلیون دلاری که برای کمک به این آوارگان لازم است، درصد بسیار ناچیزی به آنها می‌رسد. دولت آنکارا تا مدت‌ها حتی به هلال احمر خود ترکیه هم اجازه کمک به مردم کرد در این اردوگاه‌ها را نمی‌داد.

به نوشته اشپیکل، با حمله رژیم صدام به کردستان عراق، ۶۰ هزار تن از مردم این منطقه به ترکیه پناه آوردند، اما شرایط فقیر انسانی در ترکیه باعث شده که از این تعداد، ۲۴ هزار نفر دوباره آواره کوه‌ها شوند و راه عراق یا ایران را در پیش گیرند. در این میان شمار آنهایی که به عراق بازگشتند بسیار اندک است.

هفته‌نامه آلمانی می‌نویسد رزستان سخت شرق ترکیه با سرهای تا ۲۵ درجه زیر صفر، مدت‌هاست آغاز شده است. مدت‌هاست که در منطقه اردوگاه‌ها برف به زمین نشسته است از پناهندگان کرد ۱۵۰ هزار نفر باید رزستان را در چادرها سرکنند. اشپیکل خاطر نشان کرده است که ساده‌ترین راه برای کمک به آوارگان کرد، این است که دولت آنکارا اجازه دهد آنها به نزد اقوام و خویشاوندان خود در میان مردم کرد ساکن شرق ترکیه بروند. اما رژیم ترکیه که از تقویت مبارزه خلق کرد، خود نیز در مراسم است، از چنین اقدامی سرباز می‌زند.

اشپیکل در پایان می‌نویسد: "مقامات می‌خواهند پناهندگان را آنقدر در اردوگاه‌های تحت محاصره نظامی تحت کنترل نگه دارند تا بتوانند مهمانان ناخوانده را اخراج کنند. کی و به کجا، کسی نمی‌داند."

بقیه از صفحه آخر در ازای پول توزیع می‌کنند... ترکیه از پزشکان خارجی استقبال نمی‌کند، زیرا یک هیات پزشکان آمریکایی می‌گوید به دلایلی در اردوگاه‌ها بر خورده است که حاکی است ارتش عراق علیه کردها به سلاح شیمیایی متوسل شده است... بازدیدکنندگان، مرتباً آوارگانی را می‌بینند که جراحات آنها کاملاً می‌تواند ناشی از گازهای سمی باشد: نوزادانی با چشمهای بیش از حد بزرگ که مرتباً استفراغ می‌کنند، مردان و زنانی با پوست تغییر رنگ داده، کودکانی که پوستشان در میان پاها و زیر بغل بشدت عفونی شده است. یک پزشک نظامی ترک به هیات می‌گوید: "اینجا بیماری پوستی کاملاً عادی است." اما بچه‌های اردوگاه، روی کافتد چگونگی ایجاد این جراحات را می‌کشند: هواپیماها بمب‌هایی می‌انداختند که از آنها ابری زرد رنگ برمی‌خاست."

هفته‌نامه آلمانی سپس می‌افزاید به گفته یک زن ساکن اردوگاه، این ابر سمی وقتی به زمین می‌نشست، همه چیز را از بین می‌برد: انسانها، بزه‌ها و پرندگان. به گزارش اشپیکل، یک اردوگاه در نزدیکی دریایچه وان بکلی بروی بازدیدکنندگان خارجی بسته است و در آنجا حتی اجازه نامه وزارت خارجه در آنکارا نیز برای ورود به اردوگاه کارساز نیست. نمایندگان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نیز اجازه ورود به این اردوگاه را ندارند. اشپیکل می‌نویسد از نظر دولت ترکیه، پناهندگان کرد عراقی پناهنده به منظومی که در کنوانسیون ژنو آمده نیستند، بلکه "افراد اراده شده" اند. از

خودسوزی یک پناهنده ایرانی در تایلند

متن یک نامه ار سالی به آدرس نشریه "اکثریت" از تایلند
"با درودی پایان به رفقای مبارز"

در تاریخ ۱/۱۳/۸۸ همزمان با حرکت قهرمانانه ایرانیان در سرتاسر جهان، ما زندانیان سیاسی پناهنده در زندان مهاجرت تایلند برای همگامی با این حرکت اعلام اعتصاب غذا کردیم. در ساعت ۱۰ با ماداد روز ۵ شنبه یکی از رفقا به عنوان اعتراض به رژیم جنایتکار خمینی و عملکرد سازمان ملل در رابطه با ایرانیان پناهنده، اقدام به خودسوزی نمود که حدود ۵۰ درصد از اعضای بدن او در شعله‌های آتش سوخت و بوسیله پلیس روانه بیمارستان گشت. او که نام دارد، تاکنون مدت سه سال مانند دیگر ایرانیان پناهنده در تایلند، در زندان‌های متفاوت بسر می‌برد. از رفقا خواهانیم که فریاد ما بندگان راهگام با دیگر هموطنان به گوش جهانیان برسانید. مرگ بر امپریالیسم آمریکا! مرگ بر خمینی جلد! دوردبر آزادی!"

آنان تحقق برنامه‌های رژیم جمهوری اسلامی باشد. وزیر گروه‌ها را "بد سابقه" و فاقد "پشتوانه عملی قابل اتکا" برای رژیم خواند و اظهار داشت اگر فعالیت در چارچوبی که جمهوری اسلامی طرح کرده است، انجام شود، "ضمن مهمی در حفظ و تثبیت حرکت حکومت در راستای اهداف اسلام خواهد بود."

محتشمی در مورد ویژگی معیارهای قانونی رژیم برای اجازه فعالیت گفت: "قانون حدود و مقرراتی را قائل شده که احزاب باید تشکیلات سیاسی خود را با آن تطبیق دهند. در این مورد محور اصلی قانون اساسی، قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در شهریور سال ۱۳۶۰ و آیین‌نامه‌های مربوطه‌ای است، که در مراجع صلاحیتدار به تصویب رسیده است. و آن دسته از احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توانند فعالیت داشته باشند که مشمول تخلفات بندهای ماده ۱۶ قانون احزاب نباشند و احزاب و گروه‌هایی که خود را ملزم به رعایت مفاد قوانین مربوطه بدانند... می‌توانند فعالیت حزبی داشته باشند."

وزیر کشور با اشاره به ماده ۷ قانون احزاب درباره صلاحیت افرادی که از نظر جمهوری اسلامی می‌توانند به تشکیل حزب، دسته و گروه سیاسی اقدام کنند، گفت: کسانی شایستگی دارند که "همه توان، قدرت و مدیریت را در مسیر امداد و تلاش برای حل مشکلات نظام مقدس اسلامی کشور بکار گیرند."

اسلامی اظهار امیدواری کرد که در طرح جدید هر مشترک در هر نوبت خاموشی بیشتر از ۳ ساعت نداشته باشد و فاصله روشن شدن برق تا خاموشی بعدی دست کم ۶ ساعت بیشتر نشود.

احداث پالایشگاه

در بندر عباس

توسط ایتالیا و ژاپن

به گزارش خبرگزاری رویتر طبق توافق ایران با انحصارهای ایتالیا و ژاپن قرار شده است یک شرکت مهندسی ژاپنی - ایتالیایی ۲۵ درصد از هزینه ۴ میلیارد دلاری تاسیس یک پالایشگاه در بندر عباس را تامین کند. بازپرداخت هزینه از سوی ایران از طریق صدور نفت خام خواهد بود. ایران قرار است حداقل ۵۰ درصد هزینه کل طرح را به صورت نفت خام و به قیمت بازار پرداخت کند.

اظهارات وزیر کشور

پیرامون

فعالیت احزاب

وزیر کشور روز چهارشنبه ۲۳ آذر در گفتگویی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی با تشریح ضوابط فعالیت احزاب در نظام جمهوری اسلامی تاکید کرد تنها به گروه‌هایی اجازه فعالیت داده خواهد شد که هدف

گورگنان، تنها مرگ را می فهمند

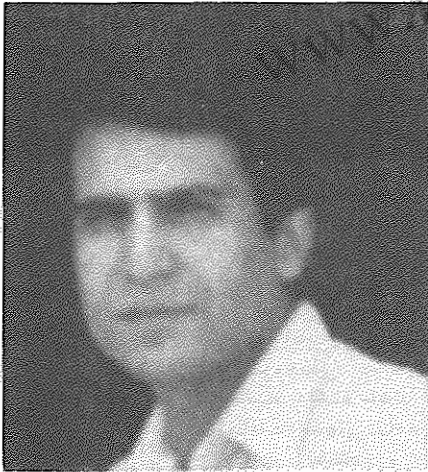
وجرته‌ها، آتشفشان را

بیادرفیق حمید تاج دینی

بیادرفیق علی رضامحمدی کمیجانی

در دانشگاه ارومیه آغاز کرد. حمید از همان سالها، در ارتباط با یک گروه مخفی هوادار سازمان فعالیت می کرد. هنگامی که جنبش ضد دیکتاتوری اوج گرفت، حمید از سازماندهان پیشگام در دانشگاه ارومیه بود. وی در برچیدن بساط گارد دانشگاه نقش موثری داشت. همزمان حمید، خلاقیت و ابتکار او را در سالهایی که هجوم گزمه‌های خمینی به کردستان، حکومت شبه نظامی را در ارومیه برقرار کرده بود، به یاد دارند. حمید در سخت ترین شرایط کار پیشبرد فعالیتها در ارتباط با سازمان را در شهر ادامه می داد.

پس از به اصطلاح "انقلاب فرهنگی"، حمید که بعد از



دانشگاه اخراج شد، ارومیه را ترک کرد و به تهران آمد. وی در مدت ۶ سال، هلیترم سخت ترین شرایط و فشار سنگین اقتصادی، به زندگی و مبارزه خود ادامه داد. حمید که برای گذران زندگی، مجبور به انجام کارهای مختلف در نقاط مختلف بود، هر جا که می رفت، به ویژه در میان کارگران مکارش، دوستان بسیاری پیدا می کرد. پای صحبت او که می نشست، چیزهای زیادی داشت که از زندگی

در یاد من آتشی است از صورت دوست ای فسه اگر تو زهره داری پادار!

مولوی

رفیق حمید تاج دینی را همه بچه های قدیمی محله پاچنار تهران به یاد دارند. حمید، با آن روحیه سرزنده و پرشورش، حمید با آن همه دوست و رفیقی که داشت، حمید با خصلت های همیقا مردمی و انسانی اش.

حمید در سال ۱۳۳۶ در تهران متولد شد. او از همان سنین کودکی، گسترده ترین روابط را با هم سن های خود و همه بچه های محل برقرار می کرد. هنوز

در روزهای انقلاب، یکپارچه شور و حرکت بود. مدام بین اراک و تهران در آمد و شد بود، تا اعلامیه ها و جزوات سازمان را به اراک برساند. او در این دوره، در ایجاد استخوانبندی تشکیلات هوادار سازمان در اراک نقشی اساسی ایفا کرد. او پس از انقلاب در هدایت این تشکیلات نقش عمده ای داشت.

علی از آن افرادی بود که قابلیت های مختلفی دارند. هم فعالیت سازمانگرا نه داشت و هم یکی از ارکان فعالیت های تبلیغی و انتشاراتی سازمان در اراک و شهرهای مجاور بود. یکی دیگر از محورهای فعالیت علی کار در زمینه دهقانی بود. در اراک جنبش دهقانی حول مساله زمین بسیار قوی و پر دامنه بود و علی از جمله به دلیل داشتن ارتباطات سنتی و ریشه دار با روستا، شناخت خوبی از این مبارزات داشت.

علی از جمله فعالین سازمان در اراک بود که بسی زود تحت پیگرد عوامل رژیم قرار گرفت. مدام می بایست بر حالت اختفای خود بیفزاید، بی آنکه از تحرک کاسته شود. پس از چندی به ناچار از اراک خارج شد. در سال ۱۳۶۵ دستگیر شد و زیر شکنجه های شدید قرار گرفت و بالاخره در جریان کشتار وسیع زندانیان سیاسی به جوخه اعدام سپرده شد.

اکنون در اراک از علی سخن می رود، از یک کمونیست دلاور، از رفیقی صمیمی، پر شور و پرکار، از مبارزی که با تمام وجود دلبسته مبارزه در راه آزادی و بهروزی مردم بود.

علی رضامحمدی کمیجانی متولد سال ۱۳۳۵ بود. در اراک تولد یافته و بجز در یک دوره کوتاه در پیش از اسارت، همواره در این شهر سکونت داشت. از دواج کرده و پسری داشت که اکنون ۶ سال دارد. علی رضا - که بعضاً "فلامرضا" نیز نامیده می شد - در خانواده ای زحمتکش و دارای سنت مبارزاتی رشد یافته بود. از دوره نوجوانی به مبارزه علیه رژیم شاه گرایش یافته و پس از حماسه سیاهکل از طریق روابط سیاسی پیرامون خود، هوادار سازمان شده بود. دوره متوسطه را در دبیرستان مجیدی طی کرده بود. دبیرستانی که همدتا فرزندان خانواده های محروم در آن درس می خوانند. او به همراه دوستانش در این دبیرستان کتابخانه ای برپا کرده بود که نقش چشمگیری در روشن کردن اذهان دانش آموزان داشت. از سالهای آخر دبیرستان جزوات و اعلامیه های سازمان به دستش می رسید و خود او نقش فعالی در پخش آنها در شهر اراک ایفا می کرد.

علی در سال ۱۳۵۴ وارد مدرسه عالی علوم اراک شد و در رشته فیزیک به ادامه تحصیل پرداخت. در این دوره به کار صنفی دانشجویی نیز رو آورد و همواره از سازمانگران اصلی حرکات دانشجویی در شهر اراک بود. در سال ۱۳۵۵ دستگیر شد، اما با محدود جلوه دادن فعالیتهاش در یک پارچوبه صنفی توانست پس از چندماه خلاصی یابد. از سال ۱۳۵۶ روابط سیاسی اش با هواداران سازمان شکل کاملاً ارگانیکی یافت. او

علاوه بر فعالیت های تبلیغی و انتشاراتی، در امر تدارک عملیات مسلحانه نیز به مشارکت پرداخت.

گوشه‌هایی از زندگی

رفیق شهید، فدائی خلق ناصر عطایی

در میان قهرمانانی که در کشتار اخیر زندانیان سیاسی اعدام شدند، نام فدایی خلق رفیق ناصر عطایی به چشم می‌خورد رفیق ناصر در سال ۱۳۳۱ در بم به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا پایان دبیرستان در بم و کرمان گذراند، وی در سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شد و در رشته جامعه‌شناسی به تحصیل خود ادامه داد.

رفیق ناصر نیز از روشنفکران انقلابی متعلق به نسلی بود که همزمان با تولد و مبارزه سازمان فدائیان، وارد عرصه پیکار با دیکتاتوری شد. رفیق عطایی با آرزوی محو ظلم و استثمار، به جنبش دانشجویی هوادار سازمان پیوست.

رفیق ناصر عطایی که در زمان خیزش مردم علیه دیکتاتوری شاه، سرباز بود، در آبان ۵۷ پادگان را ترک کرد و به مبارزات توده‌ها پیوست. وی پس از انقلاب به شهرستان خود بازگشت و به عنوان دبیر مشغول به کار شد.

وقتی دژخیمان رژیم در سال ۱۳۶۵ تصد جانش را کردند، وی به تهران رفت و تا سال ۱۳۶۵ که دستگیر شد، در تهران به زندگی و مبارزه خود ادامه داد. رفیق ناصر در سال ۱۳۶۳ ازدواج کرد و در سال ۶۴ صاحب فرزندی شد که از او به یادگار مانده است.

رفیق ناصر محبوب و فروتن بود. پا در راه همشهری فدایی‌اش رفیق عباس دانش‌بغزادی نهاد و نام او را لقب گرفت. در تشکیلات او را عباس می‌نامیدند. زمانی که در شهریورماه ۱۳۶۵ دستگیر شد، قهرمانانه در مقابل دژخیمان ولایت فقیه ایستاد. سه ماه انفرادی توأم با شکنجه کوچکترین تردیدی در اراده و همیش در ادامه راهی که برگزیده بود ایجاد نکرد. آرزوی گشوده شدن دهان برای افشای اسرار خلق و سازمانش را بر دل شکنجه‌گران نهاد. وی را پس از یک سال، محاکمه و به ۱۲ سال زندان محکوم کردند. رفیق ناصر عطایی از مبارزان ثابت قدم شرکت کننده در موارد اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

سعادت را نه فقط برای خود، بلکه برای همه مردم می‌خواست. از آخرین نامه‌ای که نوشته است، عشق به زندگی و در همین حال پایداری در برابر دشمن، کاملاً پیداست:

”من خوب و سرحال هستم و مثل گذشته قلبم با شما می‌طپد... به همه اقوام هم‌زمان سلام برسان و بگو با یاد و خاطره آنها لحظه‌ها را سپری می‌کنیم. با دروهای بیکران...“

حمید را به احتمال زیاد در شهریورماه تیرباران کرده‌اند. محل دقیق مزار او را نگفته‌اند، اما تقریباً یقین وجود دارد که او نیز در یک گور جمعی در خاوران آرمیده است، در کنار انوش و سایر قهرمانان خلق.

درو به رفیق قهرمان، فدایی خلق، حمیدتاج دینی!

کارگران، از روحیات و افکار و مسائل آنها تعریف کند. حمید از سن خود بسیار پخته‌تر بود، او در همین سالها ازدواج کرد و صاحب دو فرزند شد.

فدایی خلق، حمیدتاج دینی را در ضربات سال ۶۵ دستگیر کردند. او بارها به شدت مورد شکنجه قرار گرفت و بعنوان یکی از مقاوم‌ترین چهره‌های اوین شناخته شد. حمید هر بار در اعتصاب غذای زندانیان فعالانه شرکت می‌کرد. او یک سال و اندی پس از دستگیری به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

حمیدتاج دینی در میان ۷۰ نفری بود که در اوایل سال ۱۳۶۷ به بازداشتگاه ساواک در سلطنت آباد (پاسداران) انتقال یافتند.

حمید عاشق زندگی بود. او

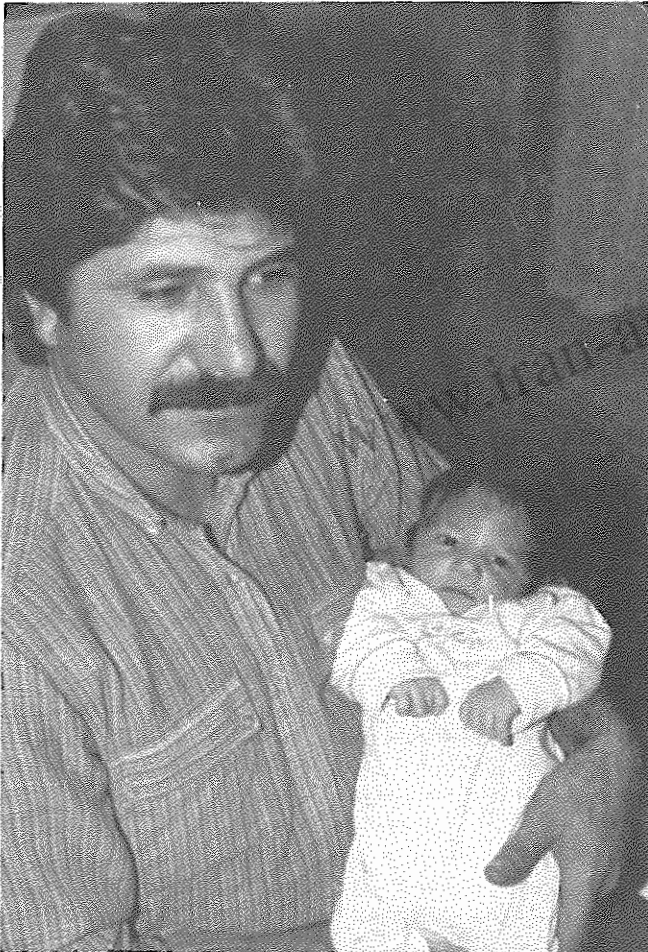
بود. ماموران رژیم، ساکی را که حاوی لباسهای رفیق ناصر عطایی بود، با مراجعه به خانه او به بستگانش تحویل دادند. خبر اعدام ناصر، برای کسانی که او را می‌شناختند، مصیبتی سنگین بود. چه بغض‌ها که در گلو نشکست، افسوس! پسر ناصر که از موقعی که به یاد دارد، پدر را در پشت میله‌ها دیده است، دیگر او را پشت میله‌ها هم نخواهد دید. دیگر آنچه از پدر مانده است، خاطره‌هاست و قطعه‌ای خاک در یک گورستان. می‌گویند خاوران پر شده است و او را به جای دیگری برده‌اند. قاسم آباد؟ معلوم نیست. جنایتکاران، حتی از گور

شهیداهم می‌ترسند. آنها که رفیق ناصر عطایی را می‌شناسند، به یاد دارند که او با صدای گرمش، همیشه در جمع دوستان ترانه ”چشم ستارگان“ را می‌خواند، آنها اطمینان دارند که رفیق ناصر، در شب واپسین، زمزمه می‌کرد:

”امشب در سر شوری دارم، امشب در دل نوری دارم، باز امشب من در اوج آسمانم...“

رفیق ناصر در سحرگاه یک روز پاییزی (به احتمال زیاد ۹ آبان ۱۳۶۷) با سر افراشته به میدان تیر رفت و به آخرین عهد خود با خلق خویش، وفا کرد.

یادش گرامی باد!



عکسی از رفیق شهید ناصر عطایی: ۱۲ روز پس از تولد کودکش و یک هفته قبل از دستگیری‌اش.

بر سینه پر مهر او گلوله نشسته است و چهره نجیبش اینک در زیر خاک است.

دژخیمان چه زندگی‌ها را که بر باد دادند، چه قلبهایی را که نشکستند و چه انسان‌های بزرگووار، از جان گذشته و مردم دوستی را که بر خاک نیفتند. اینک کودک ناصر چشم به تو دوخته است، تو، ای هر آن کسی که تصویر وی را در برابر داری و قلبت آکنده از رنج و درد می‌شود. هزاران کودک چون او، پدران و مادرانشان سرنوشتی چون سرنوشته ناصر یافته‌اند، آنها همه چشم به تو دوخته‌اند.

بیادرفیق محمود رضایکبند

در تظاهرات برگزار شده از سوی کمیته دفاع از صلح و زندانیان سیاسی ایران، در برابر دفتر امور پناهندگان سازمان ملل متحد در کراچی بدست تروریست‌های رژیم خمینی کشته شد. تروریستی از یک اتومبیل که اتومبیل دیگری آنرا اسکورت می‌کرد، پیاده شد و به سمت جمعیتی که در برابر دفتر سازمان ملل متحد اجتماع کرده بودند، شلیک کرد. مردم ۵ مجروح این جنایت عوامل خمینی را به بیمارستان رساندند. معالجات در مورد رفیق محمود رضایکبند موثر واقع نشد و وی قربانی تروریسم جمهوری اسلامی گشت.

در رسانه‌های همومی پاکستان جنایت کراچی بازتاب وسیعی یافت. در همه جا صراحتاً گفته شد که جنایتکاران عوامل رژیم خمینی بوده‌اند و باید که شناسایی شده و به سزای اعمال خود برسند. این بار نخست نیست که



رفیق محمود رضایکبند با تمام قوای کوشید رژیم خمینی را در نزد افکار همومی مردم پاکستان افشا کرده و آنها را به همبستگی با جان زندانیان سیاسی در ایران فراخواند. در هکس او پلاکاردی در دست گرفته که بر روی آن نوشته شده است: به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران برخیزید.

تروریست‌های خمینی خاصه در پاکستان، دست به چنین جنایتی می‌زنند. باید که با وحدت عمل، هوشیاری و یاری طلبیدن از افکار همومی و احزاب و سازمان‌های ترقی‌خواه در هر کشور توطئه‌های عوامل رژیم رخنشی و تروریسم جمهوری اسلامی را به تمامی افشا کرد.

رفیق محمود رضایکبند قربانی این تروریسم شد. نام وی در زمره صدها نام درخشان دیگری قرار گرفت که در موج جدید کشتار فرزندان خلق به شهادت رسیدند.

رفیق محمود رضایکبند متولد سال ۱۳۳۴ در شهر آبادان بود. سال‌های دبستان و دبیرستان را در شهر آقاجاری طی کرده و در روزهای انقلاب، یکی از فعالین تظاهرات و خیزش‌های توده‌ای در این شهر بود. او پیام سازمان را به میان مردم می‌برد و در سازماندهی مبارزه زحمتکشان آقاجاری نقش بسزایی داشت. پس از انقلاب او از بنیانگذاران ستاد تبلیغاتی سازمان در آقاجاری و بیدلند در دوره انتخابات مجلس بود. شور و تحرک رفیق محمود، وی را به یکی از محورهای حرکت‌های تبلیغی سازمان در آقاجاری بدل می‌کرد.

مدتی از فعالیت انقلابی رفیق محمود در شهر شیراز متمرکز بوده است. رفیق در حرکت و تشکل دیپلمه‌های بیکار در شیراز نقش مهمی داشته است. فعالیت‌های انقلابی و تحت تعقیب بودن از جانب رژیم، وی را ناگزیر

ستم‌دیدگان قرار می‌دهد. فعالین کانون وکلا به خوبی به یاد دارند که جهانگیر فتحی با چه شور و شوقی در سازماندهی اعتراضات وکلا در جریان خیزش مردم علیه رژیم شاه، شرکت می‌کرد. جهانگیر همچنین در برپایی تظاهرات خیابانی و شبانه، شرکت خستگی‌ناپذیری داشت. او در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن، در حمله به نیروی هوایی، پادگان باغشاه و جی شرکت کرد.

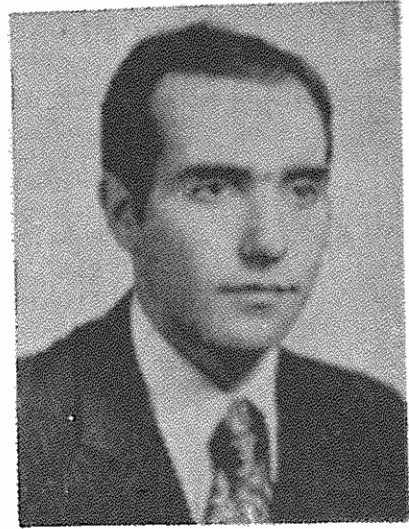
رفیق فتحی پس از انقلاب به سازمان پیوست و زندگی پرثمرش را در خدمت سازمان قرار داد. تجارب شغلی و زندگی پرفراز و نشیب، او را به مبلغی زبردست تبدیل کرده بود که هیچ فرصتی را برای دفاع از آرمان زحمتکشان، از دست نمی‌داد. وی پس از سال ۶۲، در سازماندهی جدید، به عضویت یکی از گروه‌های سازمان درآمد و در همین حال به شغل وکالت خود ادامه داد.

در جریان ضربات سال ۶۵، رفیق جهانگیر فتحی را در ۲۹ شهریور این سال بازداشت کردند. او در زندان به مقاومت در برابر مزدوران پرداخت و از آزمایش دشوار اسارت، سر بلند بیرون آمد.

پس از یک سال شکنجه شدید، رفیق جهانگیر را به دو سال زندان محکوم کردند. اما در ضمن، نمی‌توانستند جرم پایداری رفیق فتحی را بر او ببخشند. آنان رفیق فتحی را نیز به همراه سایر فرزندان برومند مردم ایران، تیرباران کردند.

۱۴ آذر (۵ دسامبر) پس از شرکت

از حیات پر بار رفیق شهید، جهانگیر فتحی



نام فدایی خلق، رفیق شهید جهانگیر فتحی، در شمار نخستین اسامی زندانیان سیاسی بود که خبر اعدامشان در کشتار اخیر، به خارج از زندان رسید.

رفیق جهانگیر فتحی در سال ۱۳۲۱ در روستای ورزقان واقع در منطقه مغان آذربایجان بدنیا آمد. پدر او در هنگامی که جهانگیر دو سال بیشتر نداشت، درگذشت و مادرش، بار سنگین تربیت فرزندان را به تنهایی بر دوش گرفت. جهانگیر از کودکی با رنج محرومیت زندگی روستایی آشنا شد. وی در پانزده سالگی به تهران آمد و کارگر ساختمانی شد. جهانگیر با تلاش و کوششی سرمشق‌گونه، به موازات کار به تحصیل پرداخت. با تنی خسته از کار روزانه، شبها درس می‌خواند تا به افق‌هایی روشن‌تر از آنچه کار جانکاه در برابرش قرار می‌داد، دست یابد. مدتی بعد، جهانگیر برای امرار معاش و امکان پذیر کردن ادامه تحصیل، به استخدام ارتش درآمد. وی بالاخره توانست در دانشکده حقوق دانشگاه تهران قبول شود. محیط سیاسی دانشگاه، جهانگیر را که از میان مردم محروم و زحمتکش بر خاسته بود، به عنصری انقلابی و مصمم به تغییر وضع موجود، تبدیل کرد.

جهانگیر فتحی، پس از مدتی کار در وزارت کشور، آنجا را ترک کرد و به وکالت پرداخت. دوره کار او به عنوان وکیل، دوره‌ای پر بار از زندگی فردی است که دانش و تخصص خود را در خدمت

جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد دنگت باد! ای جلاد مرگت باد!

در هفته‌های اخیر به دنبال برملاشدن خبر بمراه افتادن حمام خون در زندان‌های سیاسی ایران حرکت‌های افشاگرانه نیروهای سیاسی و توده‌ایرانیان خارج از کشور بر روی بسج افکار عمومی جهانیان برای محکوم کردن این جنایت عظیم و دفاع از جان زندانیان سیاسی در ایران متمرکز شد. این حرکت، بازتاب آنها در هر صه جهانی و اظهار همبستگی نیروها و سازمان‌های ترقیخواه و بشردوست با زندانیان سیاسی ایران رژیم را هر چه بیشتر رسوا کرد. سران رژیم در چند مورد ناچار گشتند بدین رسوایی جهانی معترف گشته و از وجود یک موج نیرومند جهانی اعتراض علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران سخن گویند اینها موفقیت است، اما هنوز حرکات برای به ثمر نشستن باید بسی گسترده‌تر شوند. مبارزه‌ای را که فراز تازه‌ای یافته است باید پیگیرانه پیش‌بریم، باید نیروها را یکی کنیم و هیچ امکانی را برای افشگری از دست ندهیم. رژیم خمینی هیچ دست‌کمی از رژیم شیلی یا آفریقای جنوبی ندارد و حتی به جهاتی بسیار از آنان جنایتکارتر است. باید تلاش‌ورزید که همبستگی بین‌المللی با مردم ایران و زندانیان سیاسی در ایران دامنه‌ای همچون همبستگی بین‌المللی با مردم شیلی و آفریقای جنوبی بیابد. نیل به این هدف، پیش از هر چیز بستگی به رزم خود ما دارد. این رزم در صورتی به تمامی به بار مینشیند که متحدانه باشد. در این زمینه در هفته‌های اخیر تجربیاتی به دست آمده که باید آنها را پاس داشت و گسترش بخشید. اتحادها را باید همه‌جانبه‌تر و مستحکم‌تر و اشکال موقت همکاری را به اشکال پایدار تبدیل کرد.

در زیر جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلفه حرکت‌هایی که در هفته‌های اخیر صورت گرفته‌اند، بازتاب می‌یابند. لازم به توضیح است که انعکاس دادن گزارش این یا آن حرکت افشاگرانه در نشریه صرفا

بامداف بازتاب دادن جلوه‌هایی از حرکات عمومی توده ایرانیان ترقی‌خواه در خارج از کشور صورت می‌گیرد.

سوئد

استکلم

- در روز ۱۶ دسامبر بنا بر فراخوان کمیته موقت دفاع از حقوق بشر در ایران هدهای از ایرانیان مقیم استکلم در اعتراض به کشتارهای اخیر و سفر لاریجانی، سفیر خمینی در سازمان ملل متحد به سوئد، در مقابل مرکز تلویزیون استکلم بست نشستند. تلویزیون سوئد با شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی مصاحبه‌ای حول وضعیت زندانیان سیاسی در ایران ترتیب داد.

ژاپن

به ابتکار انجمن پناهندگان و متقاضیان پناهندگی ایرانی در ژاپن از تاریخ ۲۶ نوامبر اعتصاب غذای سه‌روزه‌ای به منظور بازتاب دادن موج کشتار زندانیان سیاسی در ایران در محل دفتر سازمان هغو بین‌المللی در ژاپن

در تاریخ یکشنبه ۱۱ دسامبر به دعوت «کمیته موقت برای دفاع از حقوق بشر در ایران» تظاهراتی به منظور محکوم کردن کشتار جمعی زندانیان سیاسی و دفاع از باقیمانده زندانیان در میدان مرکزی شهر استکلم برگزار گردید. در این تظاهرات حدود ۳۵۰ نفر از ایرانیان شرکت داشتند. صف تظاهرکنندگان پس از اجتماع در میدان مرکزی شهر اقدام به راهپیمایی در خیابانها نمود. شرکت‌کنندگان با دادن شعارهای مختلف ضمن اعتراض به کشتار فرزندان خلق از مردم و دولت سوئد درخواست پشتیبانی و محکوم کردن جمهوری اسلامی را می‌نمودند. در طول مسیر راهپیمایی قطعنامه و اعلامیه‌های «کمیته» بین مردم پخش گردید

برگزار شد. شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی، ضمن تاکید بر ضرورت قطع اعدام و شکنجه و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران، خواهان اعزام سریع هیاتی از جانب سازمان هغو بین‌المللی و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای مشاهده وضعیت زندانیان سیاسی و نقض

این حرکت اعتراضی مورد استقبال مردم قرار گرفت. و تلویزیون سراسری سوئد فیلم و خبر آن را پخش نمود. این حرکت در سطح کشور سوئد تقریبا بی‌سابقه بود که چندین نیروی سیاسی علیرقم گرایشات مختلف فکری توانستند به شکل کاملاً دموکراتیک در زمینه دفاع از جان زندانیان سیاسی متحد شوند

هاری فرد

در روز اول دسامبر دانش‌آموزان ایرانی در تظاهراتی که از سوی مدرسه شبانه‌روزی این شهر در اعتراض به رژیم‌های سرکوبگر در جهان برگزار شده بود شرکت جستند و با پخش اعلامیه و توضیح شفاهی به افشای جنایات رژیم خمینی در زندانها پرداختند. بقیه در صفحه بعد

حقوق بشر در ایران و در صورت امتناع رژیم از پذیرفتن این هیات، افشای این موضوع در سطح جهانی بودند. این خواسته‌ها همراه با خبر اعتصاب غذا در روزنامه‌های ژاپن از جمله کثیرالانتشاری چون یومیوری، آساهی و ژاپن‌تایمز بازتاب گسترده‌ای یافت.



ژاپن: اعتصاب غذا در دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران

بقیه از صفحه قبل

سوئیس

بنابر فراخوان کانون پناهندگان ایرانی در سوئیس از تاریخ ۹ تا ۱۱ دسامبر اعتصاب غذای سه روزه‌ای در شهر زوریخ برگزار شد. در قطعنامه پایانی این اعتصاب غذا چنین آمده است:

۱ - ما کشتار گسترده اخیر زندانیان سیاسی را توسط حاکمان بقایت فاشیست جمهوری اسلامی ایران به شدت محکوم می‌نمائیم. ۲ - ما خواهان محکوم کردن جنایات ددمنشانه اخیر رژیم حاکم بر ایران در رابطه با زندانیان سیاسی از سوی مجامع بین‌المللی و مدافع حقوق بشر می‌باشیم.

۳ - ما از کلیه احزاب و سازمانهای مترقی ایرانی و غیر ایرانی و انسانهای آزاده جهان درخواست می‌نمائیم که شکنجه و کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی را محکوم نموده و صدای اعتراضشان را سرترا نمایند.

۴ - ما از ملت شریف و انساندوست و دولت سوئیس درخواست می‌کنیم جنایات هولناک رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران را علیه زندانیان سیاسی محکوم نموده و در راه توقف این اعمال وحشتناک به تعهدات انسانی بین‌المللی خویش جامه عمل ببوشاند.

آمریکا

هیوستون

در تاریخ ۵ دسامبر ایرانیان آزادیخواه مقیم شهر هیوستون (واقع در ایالت تگزاس) برای افشای جنایات جمهوری اسلامی در زندانها در برابر ساختمان صلیب سرخ این شهر تظاهراتی برپا کردند که در آن ۴۵ نفر شرکت داشتند.

دالاس

در روز ۴ دسامبر به فراخوان کمیته صلح و دموکراسی در ایران و کمیته همبستگی با خلق السالوادور گردهمایی پرشوری با شرکت ۸۵ تن از ایرانیان، السالوادوریها و آمریکاییها تشکیل گردید که در آن سخنرانی‌هایی در دفاع از جان زندانیان سیاسی در آمریکای لاتین و در ایران ایراد شد.

دالاس: گردهمایی در دفاع از جان زندانیان سیاسی

نروژ

از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ دسامبر به فراخوان انجمن ایرانیان در شهر هاگسوند نروژ اعتصاب غذای پربازتابی در این شهر برگزار شد که خبر آن به کرات در رادیوی محلی پخش شد و همچنین روزنامه شهر خبر آن را با ذکر خواسته‌های شرکت‌کنندگان در این اقدام افشاگر درج کرد. شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی در هر تماسی بر روی این خواسته‌ها: قطع فوری شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و آزادی آنان و نیز ضرورت اعزام هیاتی برای بازدید زندانهای ایران، تاکید می‌کردند. کمونیست‌ها و دیگر نیروهای ترقیخواه نروژی از این اعتصاب غذا اعلام حمایت کردند.

اتریش

وین

با فراخوان "جمعیت همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران" از روز ۱۶ تا ۲۱ آذر (۷ تا ۱۲ دسامبر) در محلی واقع در مرکز شهر وین عده‌ای از ایرانیان مبارز دست به اعتصاب غذا زدند. محل اعتصاب غذا در طول مدت برگزاری این حرکت افشاگرانه شاهد رفت و آمدهای مدام و ابراز همبستگی از جانب ایرانیان و نیروهای مترقی اتریش بود.

آلمان فدرال

فرانکفورت

در روز ۱۸ نوامبر تظاهرات ایستاده‌ای در برابر دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در مرکز شهر فرانکفورت برگزار شد که در جریان آن تعداد کثیری اعلامیه در افشای جنایات جمهوری اسلامی در زندانها پخش شد. در قطعنامه این تظاهرات آمده است: "ما از تمامی نیروهای آزادیخواه و مترقی ایران می‌خواهیم که با حرکت و اقدام متحدانه خود حول آزادی زندانیان سیاسی، به این

وظیفه مبرم امروزمین ایران پاسخ گویند."

هایدلبرگ

در روز ۲۵ نوامبر جمعی از پناهندگان سیاسی در هایدلبرگ در مرکز شهر هایدلبرگ دست به افشاکاری در مورد برپایی حمام خون در زندانهای سیاسی ایران زدند. در اعلامیه فراخوان به این تظاهرات آمده بود: "ما یقین داریم که فریاد اعتراض در ایران و در عرصه جهانی به حفظ جان زندانیان سیاسی ایران کمک خواهد کرد."



فرانکفورت: تظاهرات در برابر دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی



«آقای گنشر!

بیج کردن

کشتار را قطع نمی کند!»

روز چهارشنبه ۱۶ آذر (۷ دسامبر) یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت جمعی از بستگان زندانیان سیاسی و شهدای کشتار اخیر زندانهای ایران و شخصیت‌های آزادیخواه در بن تشکیل شد و مورد استقبال جمع کثیری از خبرنگاران قرار گرفت. در این کنفرانس مطبوعاتی، اعضای خانواده‌های برخی از زندانیان سیاسی اعدام شده، به افشای جنایت هولناک خمینی در قتل عام زندانیان سیاسی پرداختند. اتو شیلی عضو فراکسیون حزب سبزها در مجلس فدرال آلمان غربی و از چهره‌های برجسته این حزب، در این کنفرانس مطبوعاتی ضمن سخنانی با اشاره به سفر اخیر گنشر وزیر خارجه دولت بن به ایران گفت: «لحن بیج بیج»ی که گنشر در سفرش در سؤال پیرامون سرنوشته زندانیان سیاسی بدان توسل جست، با توجه به ادامه اعدام‌های جمعی در ایران «بکلی ناکافی» است.

همچنین در روز جمعه ۹ دسامبر، کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران در پارلمان آلمان فدرال مطرح شد و نمایندگان ضمن سخنانی خواهان توقف فوری این کشتار شدند.

هفته نامه اشپیگل چاپ آلمان فدرال در شماره ۵ دسامبر خود، با ذکر نمونه‌های مشخص از کشتار زندانیان سیاسی، شمار زندانیان اعدام شده در ماه‌های اخیر را حداقل صد نفر ذکر کرده است. اشپیگل می‌نویسد گنشر همواره به علت حفظ تماس با رهبری جمهوری اسلامی در تمام مدت جنگ، بخود می‌بالد، در مقابل سئوالات خود پیرامون چند زندانی سیاسی پاسخ مشخصی دریافت نکرد. این هفته‌نامه می‌افزاید در حالیکه گنشر قبلاً در دیدار با لاریجانی از موارد مشخصی اسم برده بود، لاریجانی معاون ولایتی در پاسخ خبرنگاران مدعی شد نام همین زندانیان را برای نخستین بار است که می‌شنود!



مونسر: زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اکسیون تبلیغاتی در مرکز این شهر، که با جمع‌آوری امضا در محکومیت رژیم خمینی همراه بود، باعث بازتاب یافتن خبر جنایت هظیم رژیم خمینی در این شهر آلمان فدرال شد.

کلن

در روز ۷ دسامبر به فراخوان جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران تظاهراتی در برابر کلیسای مشهور «دم» در مرکز شهر کلن برگزار شد که در آن حدود ۳۰۰ نفر شرکت داشتند. این تظاهرات جزو مجموعه حرکتی بود که در کلن و بن از سوی تشکلهای دموکراتیک برگزار گردیده و مورد استقبال وسیع توده ایرانیان آزادیخواه و مبارز قرار گرفته‌اند.

نورنبرگ

مدهای از ایرانیان مقیم شهر نورنبرگ با تشکیل جمعیتی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران در روز جمعه ۲ دسامبر در مرکز شهر نورنبرگ تظاهرات ایستاده‌ای را برگزار کردند که در آن بیش از ۵۰ نفر از ایرانیان و مدهای از نیروهای مترقی آلمان فدرال شرکت داشتند. خبر این تظاهرات با توضیحاتی پیرامون موج جدید کشتار در زندانهای سیاسی ایران، از رادیوی محلی انتشار یافت.

راونزبرگ

پخش تعداد کثیری اعلامیه به زبان آلمانی در مورد جنایات جمهوری اسلامی همراه با عکس گور جمعی خاوران و برگزاری یک

مونسر

در روز ۲ دسامبر به دعوت «مدهای از دانشجویان و پناهندگان مونسترلند» مدهای از ایرانیان آزادیخواه و مبارز در مرکز شهر مونسر گرد آمدند و با برپایی یک آکسیون افشاگرانه که در طی آن ۱۵۰۰ اعلامیه در محکومیت جنایت رژیم خمینی در زندانهای سیاسی پخش شد، در بسیج افکار عمومی مردم این شهر علیه یک حکومت ضد بشر و آزادی‌کش، مشارکت جستند.

پادربورن

در تاریخ ۳ دسامبر ایرانیان آزادیخواه در شهر پادربورن یک آکسیون افشاگرانه برپا کردند و در طی آن چند هزار اعلامیه در مورد اعدام‌های دسته‌جمعی در ایران بین اهالی این شهر توزیع نمودند. از تاریخ ۷ دسامبر یک اعتصاب غذای چهار روزه در شهر پادربورن با فراخوان «کمیته نجات زندانیان سیاسی ایران» برگزار شد که ضمن بازتاب قوی در میان ایرانیان آزادیخواه این شهر و استقبال آنان، مورد حمایت احزابی همچون حزب کمونیست آلمان، حزب سوسیال دموکرات و حزب سبزها و نیز اتحادیه سندیکاهای کارگران آلمان (د.گ.ب) قرار گرفت. خبر این اعتصاب غذا در روزنامه محلی درج و نیز از تلویزیون منطقه پخش شد.



کلن: تظاهرات به دعوت جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران

یک سال از آغاز قیام خلق فلسطین گذشت

انتفاضه

شیوه های سرکوب

جهان از طریق رسانه های گروهی باخصلت ددمنشانه اشغالگران اسرائیلی آشنا شده است. کشتار و شکنجه وحشیانه رواج دارد. فلسطینی ها را زنده به گور کرده اند. جنین زنان باردار را سقط کرده اند. به همد، دستها و پاها را می شکنند. برخی بازداشتی ها را از کشور بیرون می کنند. مزارع را ویران، آنها را مسموم و خطوط برق را قطع می کنند. علیه گروه های وسیعی از مردم، به مدتی طولانی مقررات منع رفت و آمد می گذارند تا به آنها گرسنگی را تحمیل کنند. تماس میان مناطق اشغالی قطع می شود و این مناطق را از جهان خارج جدا می کنند. این همه برای آن است که "قیام سنگ ها" که در تاریخ به عنوان یک پدیده برجسته در پیکارهایی بخش ملی ثبت شده است، منکوب شود.

... شمار زندانیان به بیش از ۱۵ هزار بالغ می شود. زندانها که در همه جا ساخته شده اند، دیگر ظرفیت ندارند. در برخی مدارس و در وسط صحرای نجو، که در تابستان گرمای سوزنده ای دارد، زندان های موقت ساخته اند...

در گزارشی که توسط شورای کلیسا در خاور نزدیک تهیه شده است، فاش می شود که ارتش اسرائیل در مناطق اشغالی، از گاز بسیار خطرناکی استفاده می کند. این گاز اشک آور، خطر بزرگی به ویژه برای زنان باردار است. در جریان قیام در مناطق اشغالی، در موارد بسیاری جنین بر اثر استنشاق این گاز توسط مادر، کشته شده است. در گزارش آمده است که این گاز، گاز سی اس است. ناظران بیطرف و پزشکان، صحت این گزارش را تایید می کنند. همچنین گزارش می شود که اسرائیل، این نارنجک های گاز اشک آور را از کانادا، ایالات متحده

کمیسون های دیگری به تهیه مواد غذایی و توزیع آن در مناطق محاصره شده رسیدگی می کنند. و باز کمیسیون های دیگری، مسئول سازماندهی اعتصاب صاحبان مغازه ها هستند. مغازه ها به غیر از روزهای اعتصاب همومی، هر روز تنها سه ساعت بازند. از این گذشته، کمیسیون هایی وجود دارد که اطلاعات جمع آوری می کنند و به رسانه های گروهی و خبرنگاران، که ورودشان به مناطقی که وقایع در آن روی میدهد، ممنوع است، می رسانند...

وقتی مقامات اشغالگر ماهها دانشگاهها و مدارس را تعطیل کردند، "انتفاضه" با ایجاد یک نظام آموزشی مردمی، واکنش نشان داد. هزاران معلم دوطبقه، حاضر شدند مواد درسمای اصلی را در مساجد و کلیساها و حتی در فضای آزاد و زیر درختان، به دانش آموزان و دانشجویان بیاموزند. مقامات اشغالگر به تأثیر حاد این اقدام خود پی بردند و بالاخره ناچار شدند عقب نشینی کنند و اجازه بازگشایی برخی مدارس و دانشگاهها را بدهند. اما در آنجا دانش آموزان و دانشجویان باز به تظاهرات پرداختند که بدنبال آن، این موسسات آموزشی بار دیگر توسط مقامات تعطیل شدند...

و اما در مورد رهبری متحد ملی قیام که از نمایندگان چهار سازمان موجود در داخل کشور، یعنی از الفتح، حزب کمونیست فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین تشکیل می شود، باید گفت که این رهبری در اطلاعیه های خود، وظایف عامی را اعلام می کند که روی آن توافق می شود...

می توان گفت که خیزش، در راه در هم کوبیدن و تحریم قدرت اشغالگر و برپایی قدرت خلق به جای آن، گام های مهمی برداشته است. این امر، یک معیار همده برای ارزیابی وضعیت قیام است.

"انتفاضه" دیگر برای بسیاری از مردم جهان، واژه آشنایی است. یک سال است که خلق فلسطین انتفاضه، قیام خود را آغاز کرده است. سرزمین فلسطین، دیگر آن نیست که تا دسامبر ۱۹۸۷ بود. همه چیز حاکی از آن است که صهیونیست ها دیگر نمی توانند اوضاع را به شرایط پیش از آغاز انتفاضه بازگردانند. انتفاضه، مهر خود را بر همه تحولات سیاسی و دیپلماتیک منطقه نیز کوبیده است. این قیام بود که وحدت را به صفوف سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) برگرداند. این قیام بود که الهام بخش اعلام موجودیت کشور مستقل فلسطینی شد که تاکنون ۸۶ کشور، آن را به رسمیت شناخته اند. و بالاخره این قیام است که حتی دولت ریگان را به پای میز مذاکره باساف می کشاند.

"انتفاضه" عنوان مقاله ای است که به قلم نعیم اذهب، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فلسطین، در شماره ۱۲ ماهنامه "نوشته های مارکسیستی" ارگان تئوریک حزب کمونیست آلمان ندرال به چاپ رسیده است. بخشهایی از این مقاله را می خوانیم:

وقتی در دسامبر سال پیش، "انتفاضه"، خیزش خلق ما، آغاز شد، مقامات اسرائیلی لاف می زدند که می توانند در چند روز آن را سرکوب کنند. می دانیم که ادامه قیام خلق با تمام قوا، این توهمات را مانند حباب صابونی محو کرد. مقامات اسرائیلی، بعداً گفتند قیام رو به سرانجام و خاموشی است. معیار آنها این بود که درگیری های روزانه با نیروهای اشغالگر رو به کاهش بود و کشته ها و مجروحین اندکی به همراه داشت. اما بازهم اشتباه می کردند. شمار درگیری ها دوباره رو به افزایش نهاد، تا جایی که فرمانده اسرائیلی منطقه میانی را در هجدهم ژوئن وادار به این اعتراف کرد که خیزش هنوز مدتها ادامه خواهد داشت.

معیار حقیقی و واقعی سنجش قیام، که اشغالگران می خواهند موجودیت آن را انکار کنند، بسیار بیش از آنکه شمار درگیری های روزانه باشد، درجه سازمان یافتگی توده ها و فعالیت های آنهاست. حزب ما، حزب کمونیست فلسطین (ح.ک.ف.)، در همان آغاز این قیام خاطر نشان کرد که شور توده ها بسیار از درجه سازمان یافتگی آنها فراتر می رود. از این رو دقیقاً به وجه سازماندهی خیزش توجه ویژه ای مبذول شد.

این کمیته ها، حاصل تجارب گردآمده در کار اتحادند. مشخصه ویژه آنها در این است که همه جادر محل، رهبری محلی را تأمین می کنند. بدین ترتیب، تلاشهای مقامات اشغالگر برای وارد آوردن ضربه ای خردکننده به قیام از طریق دستگیری یک ارگان رهبری مرکزی، خنثی می شود. علاوه بر این، با این شکل سازمانی، به میزان زیادی، تأثیر تقسیم مناطق اشغالی فلسطینی به نواحی محصور نظامی، برطرف می گردد. بدین گونه، هر ناحیه - حتی در شرایط انزوا و محاصره - یک کمیته مردمی دارد که مبارزه را در آن ناحیه رهبری می کند و در صورت دستگیری اعضای آن، نسبتاً به سادگی می توان از کادرها و مبارزان محلی آن را از نو شکل داد.

در کنار کمیته های مردمی، کمیسیون های تخصصی شکل گرفتند که به ضروریات گوناگون و فزاینده رشد خیزش پاسخ می دهند. از این جمله است ایجاد شرایط نافرمانی کامل اجتماعی، که برای آن، روند تدارک طولانی و پیچیده ای به لحاظ سازمانی و مادی ضرورت دارد.

مثلاً کمیسیون هایی برای اهدای خون و کمیسیون های دیگری برای انتقال و مداوای مجروحین ایجاد شدند، زیرا در اکثر موارد، مداوا به هلت جستجوی نیروهای اشغالگر در بیمارستان ها و بازداشت مجروحین، در خارج از بیمارستان ها انجام می گیرد.

از نخستین روزهای قیام، تشکیل کمیته های مردمی آغاز شد. این کمیته ها به سرعت رواج یافتند، هر نقطه در کرانه غربی رود اردن و نوار فزه را تحت کنترل خود گرفتند و به ستون فقرات و نیروی محرکه قیام تبدیل شدند. در این کمیته ها، همه نیروهایی که در شهر یا روستای

مکانیزم "انتفاضه"

از نخستین روزهای قیام، تشکیل کمیته های مردمی آغاز شد. این کمیته ها به سرعت رواج یافتند، هر نقطه در کرانه غربی رود اردن و نوار فزه را تحت کنترل خود گرفتند و به ستون فقرات و نیروی محرکه قیام تبدیل شدند. در این کمیته ها، همه نیروهایی که در شهر یا روستای

پیروزی بزرگ

خلق فلسطین

بقیه از صفحه آخر

تنها در دوره زمامداری دولت بعدی آمریکا به ریاست بوش ممکن خواهد بود.

مقامات آمریکایی در توضیح تصمیم خود، به سخنان عرفات در یک کنفرانس مطبوعاتی در ژنو استناد کردند. عرفات در این سخنان تاکید کرد ساف تروریسم را محکوم می کند و قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ را بدون قید و شرط می پذیرد. ناظران، خاطر نشان می کنند سخنان عرفات در مقایسه با مصوبات اجلاس الجزیره نکته کیفیتاً متفاوتی در بر نداشته، و دولت ریگان تنها برای حفظ وجهه سیاسی خود، بر "نکات تازه" در این سخنان انگشت می گذارد. به عقیده منسرخان مطبوعات غربی، ریگان و شولتز با تصمیم خود این هدف را دنبال می کنند که دولت بوش را در نخستین ماه های زمامداری وی با بار سنگین یک تصمیم دشوار روبرو نسازند، تصمیمی که اجتناب ناپذیر بودن آن، روزبه روز بیشتر عیان شده است. روزنامه آمریکایی واشنگتن پست می نویسد ریگان هنگامی تصمیم به مذاکره با ساف را گرفت که برای دیدار با گارباچف در نیویورک به سر می برد. به نوشته این روزنامه، موضع رهبری شوروی در برانگیختن آمریکا به تغییر سیاست خاورمیانه ای خود، نقشی قاطع داشته است.

چرخش موضع آمریکا، آن هم اندکی پس از خودداری واشنگتن از صدور ویزا برای عرفات به منظور سخنرانی او در سازمان ملل، اعلام ورشکستگی سیاست دهها ساله ایالات متحده است. آخرین مورد از بازتاب این شکست در مجامع بین المللی، رای دادن ۱۵۴ کشور به انتقال اجلاس مجمع عمومی به ژنو بود. آمریکا و اسرائیل، در این رای گیری، دچار انزوای خردکننده ای شدند. قیام یکساله مردم مناطق اشغالی، به همه حامیان بین المللی اسرائیل که ذره ای واقع بینی داشتند، نشان داد که دیگر نمی توان این مردم را در یوغ اشغالگران نگه داشت. پیروزی دیپلماتیک ساف، در حقیقت پیروزی آن جوانان از جان گذشته ای است که از یک سال پیش تاکنون، سینه خود را در برابر

اسرائیل در چارچوب یک کنفرانس بین المللی صلح بر بنیای قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت و حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین، آماده گئی اعلام می گردد. و بالاخره، دلیل دیگر را باید در فعالیت اصولی حزب کمونیست و سایر نیروهای دمکراتیک اسرائیل جستجو کرد که با اشغال مخالفت می کنند. این، یک جنبه مهم مسئله است.

جنبه دوم، این است که قیام خلق، مسئله فلسطین را که قبلاً تحت الشعاع قرار گرفته بود، بار دیگر در مرکز توجه قرار داد. این مسئله، در اجلاس سران در مسکو میان گارباچف و ریگان جای مهمی به خود اختصاص داد. اتحاد شوروی، متحد وفادار خلق ما، هرآنچه لازم بود انجام داد تا از مبارزه عادلانه خلق مدافع کند... سومین نتیجه این است که موج بیسابقه ای از همبستگی و حمایت از حقوق ملی خلق فلسطین مشاهده می شود. به همین نسبت، اهمال اشغالگران اسرائیلی در سراسر جهان محکوم می شود.

به عنوان چهارمین نتیجه، قیام خلق به تقویت این عقیده در سطح بین المللی انجامید که برپایی یک کنفرانس بین المللی دارای اختیار، ضروری است. این کنفرانس باید کل اختلاف اعراب و اسرائیل و هسته اصلی آن، مسئله فلسطین را با شرکت همه طرفهای خاصه، از جمله ساف، تنها نماینده قانونی خلق فلسطین، مورد بررسی قرار دهد.

با اینکه در موضع آمریکا تحت تأثیر قیام و تحت فشار افکار عمومی جهان، تغییراتی رخ داده است، حمایت آمریکا از اشغالگران اسرائیلی، کماکان مانع اصلی بر سر یک راه حل عادلانه محسوب می شود، زیرا ایالات متحده همچنان حق خلق ما در تشکیل یک دولت مستقل، شرکت ساف به عنوان طرف برابر حقوق با سایر طرفها در مذاکرات، و دادن اختیارات لازم به کنفرانس بین المللی، مخالفت می کند...

تا جایی که به خلق ما مربوط می شود، مردم ما تا وقتی مللی که به آغاز قیام انجامیدند، وجود دارند، از مبارزه دست نخواهد کشید و آن را تادستیابی به اهداف ملی خود ادامه خواهد داد. خلق ما قاطعانه می گوید: دیگر به شرایط پیش از آغاز قیام باز نخواهیم گشت!

بیست سال، "گاو شیرده" سرمایه اسرائیلی بودند. اکنون باید بودجه دولت اسرائیل، بهای اشغال را بپردازد. مقامات اسرائیلی خیلی زود مناطق اشغالی فلسطین را به دومین واردکننده کالاهای اسرائیلی پس از آمریکا تبدیل کردند. اسرائیل سالانه بین ۸۵۰ میلیون تا یک میلیارد دلار کالا به این مناطق صادر می کرد. بر این امر باید، استثماری شدید کارگران اهل مناطق اشغالی را افزود. این کارگران در نتیجه سیاست هدفمند فقیرکردن مناطق اشغالی، در اقتصاد اسرائیل به جستجوی کار می رفتند. شمار آنها تقریباً ۱۵۰ هزار نفر است. از این گذشته، به مردم مناطق اشغالی مالیات سنگینی تحمیل شد که مازاد آن به بودجه دولت اسرائیل واریز می شد. قیام، آغاز پایان این چپاول استعماری را رقم زد...

وقتی در آغاز قیام، کارگران فلسطینی شاق در اقتصاد اسرائیل، اهتصاب کردند، در برخی شاخه های اقتصاد این کشور بحران در گرفت. استخدام کارگران از خارج بطور جدی مورد بررسی قرار گرفت. این در حالی است که در اسرائیل ۱۵۰ هزار کارگر بیکار وجود دارد. اما اینان حاضر به کار در مشاغل فلسطینی ها برعهده دارند نیستند، زیرا این مشاغل با کار سخت یا کثیف توأم است...

نتایج قیام

... قیام خلق بیش از هر واقعه دیگری، شکاف آشکاری در جامعه اسرائیل ایجاد کرده است... نظراتی آشکارتر از همیشه ابراز می شود که واقع بینانه تایید می کنند راهی به جز عقب نشینی از مناطق اشغالی و به رسمیت شناختن حق خلق دیگر، خلق فلسطین در زندگی مطابق اراده خود، نمانده است.

این روند مثبت، به یک سلسله هلال باز می گردد که مهم ترین آن، خصلت مسالمت آمیز قیام خلق است. از این طریق همه ادعاهای حکام اسرائیل مبنی بر اینکه بیکار ملی فلسطین گویا هدف خود را ناپودی دولت اسرائیل قرار داده است، بی پایه از کار درآمده اند. دلیل دیگر، سیاست واقع بینانه ساف است که به ویژه در اجلاس اخیر شورای ملی تصویب شد. این سیاست دیگر، تا جایی پیش رفته است که برای مذاکرات مستقیم با

و اتريش دریافت کرده است. نشریه اسرائیلی "هاداشوت" در یک مقاله بلند تسوی گیلان، خبرنگار خود، می نویسد تاکنون ۴۹ نفر بر اثر استنشاق این گازاشک آور کشته شده اند که از آن جمله اند ۲۵ کودک در سن کمتر از یک سال. همچنین باید در نظر گرفت که بسیاری از موارد مرگ اصلا اعلام نمی شوند و تنها تصادف باعث افشای آن می شود.

نسل جدید مبارز

مقامات اسرائیلی در گذشته به خود اطمینان می دادند گذشت زمان به این خواهد انجامید که مردم مناطق اشغالی و نیز جهان، به وجود قدرت دولتی اسرائیل در این مناطق، هادت خواهند کرد. اما قیام، چه چیز را به روشنی ثابت کرده است؟

نسلی که در سال های اشغال رشد کرده و اصلاً به جز قدرت اشغالگر، قدرت دولتی دیگری نمی شناسد، حتی بیش از نسل های دیگر از اشغالگران متنفر است و در برابر آنان مقاومت می کند. در مقاله نشریه "هاداشوت" که تحت عنوان "شش ماه آرامش نسبی" انتشار یافت و ذکر آن رفت، آمده است که از ۱۷۳ فلسطینی که در پنج ماه نخست قیام توسط "نیروهای امنیتی و انتظامی اسرائیلی" کشته شدند، ۸۲ درصد در سنین ۱۳ تا ۲۹ سال بودند.

استثمار مناطق اشغالی

قیام خلق ما، فوران خشمی است که ظرف بیش از ۲۵ سال، به هلت هم لگد اشغالگران، که هیچ هرصه زندگی و هیچ فرد را از دستبرد مصون نگذاشتند، انباشته شد...

تا آنجا که به جنبه مادی این امر مربوط میشود، در یک گزارش پژوهشی دکتر یاکوف شتیام، اقتصاددان اسرائیلی و استاد دانشگاه عبری اورشلیم، که از سوی وزارت دارایی اسرائیل واقع بینانه توصیف شده است، خاطر نشان می شود که قیام، برای اقتصاد اسرائیل به بهای لطماتی معادل یک میلیارد دلار تمام شده است. برای کشور کوچکی مانند اسرائیل، این مبلغ، لطمه ای محسوس به شمار می رود. بدین ترتیب، قیام خلق، وضعیتی را که در طول ۲۵ سال ادامه داشت، تغییر داده است. در این

جهان در غم ارمنستان شریک است



زلزله در جشن هروسی به سرافشان آمد

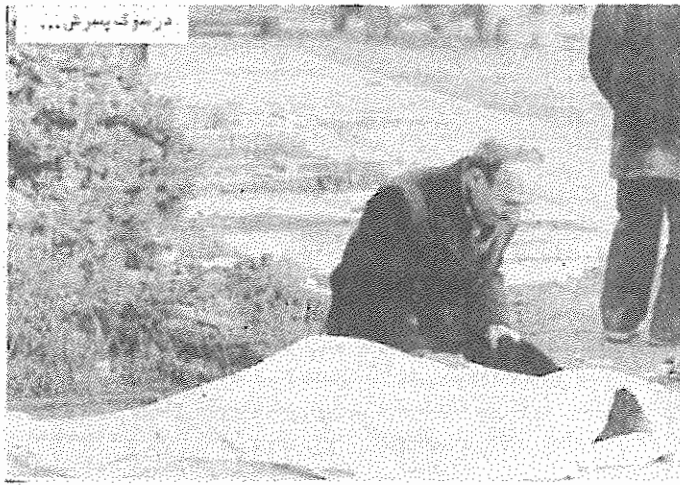
هفته گذشته، مقامات شوروی اعلام کردند فاجعه زلزله در شمال ارمنستان ۵۵ هزار کشته به همراه داشته است. ۵۰۰ هزار نفر بی خانمان شده‌اند. سه شهر لنین آکان، کیروف آکان و اسپیتاک، تقریباً به کلی ویران گشته‌اند. خلق ارمنی، که در تاریخ مصایب بی شماری راجع به خود، بار دیگر به سوگ نشسته است. طبیعت، در هر ض چند دقیقه، حتی چند ثانیه، فصل دردناک دیگری در رنجهای مردم ارمنستان گشود. مصیبت، از نسل کشی توسط عثمانی‌ها بدین سو، هیچگاه اینچنین هولناک بر سر این مردم فرود نیامده بود.

در ماههای اخیر، اختلافات ملی در ماوراء قفقاز، نام ارمنستان را برای جهانیان به نام آشنایی تبدیل کرد. شاید این واقعیت، باعث شد تا جامعه بین المللی از فاجعه زلزله تکان بیشتری بخورد. نزدیک به ۵۰ کشور در کمک رسانی به ارمنستان شرکت دارند. رهبری شوروی، که پذیرش واقعیت وابستگی متقابل ملل جهان امروز را از انجمن سیاست خود قرار داده است، بدون تأمل کمکهای خارجی را مورد قبول قرار داد. در فرودگاه ایروان، پایتخت ارمنستان، هر پنج دقیقه یک بار هواپیمایی حامل کالاهای ضروری، بیمارستانهای سیار، دستگاههای پزشکی، تیمهای امداد و هر آنچه به کار کمک به مردم آسیب دیده می‌آید، به زمین می‌نشیند. ۷۸ سر نشین یک هواپیمای شوروی که مسافران آن همگی نظامیانی بودند که برای کمک به امدادگران به ارمنستان می‌رفتند، در سانحه

سقوط هواپیمای خود را از دست دادند. هنوز ۲۴ ساعت از این حادثه نگذشته بود که یک هواپیمای یوگسلاوی نیز با سه سر نشین در همان منطقه سقوط کرد.

بی شک بیشترین بار کمک به مردم ارمنستان را سایر ملل اتحاد شوروی و به ویژه ملت روس بر دوش می‌کشند. سرنوشت چنین خواست که خلق ارمنی یک بار دیگر در وجود ملت بزرگ روس، همدرد و حامی بیدریغش را بیابد. و چه نمونه‌وار است صحنه‌ای که بر صفحه تلویزیون ظاهر می‌شود:

یک زن سالخورده روستایی، که هم‌جاگاه از دست دادن اعضای خانواده چهره‌اش را مچاله کرده، ریشکف نخست وزیر شوروی را در آغوش می‌کشد و همراه با حق‌گیری، از این همه کمکی که مردم سراسر اتحاد شوروی به ارمنستان می‌کنند، تشکر می‌کند. چشمان ریشکف و همه حاضران پر از اشک



در سوگت پیوسته...

است. تقریباً همه رهبران حزب و دولت شوروی در محل فاجعه حضور یافته‌اند و یا هنوز در آنجا به سر می‌برند. کمیسیون ویژه‌ای در جنب دفتر سیاسی حزب تشکیل شده که مسئولیت آن با نیکلای ریشکف است. وی بطور تمام وقت به اداره کارهای این کمیسیون مشغول است. وی در نخستین روزهای پس از زلزله، اولویت‌ها را در کار کمک‌رسانی بدین ترتیب برشمرد: جستجوی کسانی که هنوز در زیر آوار زنده‌اند، انتقال مجروحین به

بیمارستانها، و رسیدگی به وضع مردم بی‌خانمان شده. وزیر ساختمان اتحاد شوروی، خسارات مستقیم ناشی از زلزله را ۵ میلیارد روبل (نزدیک به ۹ میلیارد دلار) برآورد کرده است. میخائیل گابریلیف که سفر خود به کوبا و بریتانیا را لغو کرد و مستقیماً از آمریکا به کشورش بازگشت، در ارمنستان اعلام کرد با کمک همه ملل اتحاد شوروی، ظرف دو سال، همه شهرها، روستاها و

کارخانه‌های ویران شده، بازسازی خواهند شد. وی شدیداً به افرادی در ارمنستان که در این روزها نیز دست از تحریکات ناسیونالیستی بر نمی‌دارند، حمله کرد. اشاره وی، به اعلامیه‌های پخش شده در ایروان بود که در آن، عناصر افراطی ادعا کرده‌اند انتقال کودکان ارمنی از ارمنستان، برای بردن آنها به سیبری صورت می‌گیرد.

رگبار گلوله‌ها سیر کرده‌اند و تنها با پرتاب سنگ، از خود در برابر مجهزترین ارتش منطقه دفاع می‌کنند.

چرخش موضع آمریکا، دولت اسرائیل از سراسیمه کرد. شامیر نخست وزیر اسرائیل "تاسف" خود را از تصمیم ریگان ابراز داشت. وی گفت که آمریکا "قریب" فلسطینی‌ها را خورده‌است و به زودی به اشتباه خود پی خواهد برد. شامیر تأکید کرد اسرائیل تحت تأثیر تصمیم واشنگتن قرار نخواهد گرفت و کماکان از مذاکره با ساف خودداری خواهد کرد. اما پرز وزیر خارجه اسرائیل، هلپرهم اینکه از "یک روز فم‌انگیر" برای اسرائیل سخن گفت، وعده داد که در صورت برقراری "آرامش" در مناطق اشغالی، اسرائیل به برگزاری انتخابات آزاد در این مناطق برای گزینش نمایندگان طرف مذاکره اسرائیل، تن خواهد داد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد بطور یکپارچه و تنها با رای مخالف آمریکا و اسرائیل، اعلام تشکیل دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت شناخت. در قطعنامه مجمع عمومی بر ضرورت تأمین حق حاکمیت خلق فلسطین بر مناطق اشغال شده در ۱۹۶۷ تأکید شده و آمده است که از ۱۵ دسامبر ۱۹۸۸، در همه نهادهای سازمان ملل، نام "سازمان آزادیبخش فلسطین" به "فلسطین" تبدیل خواهد شد. در قطعنامه دیگری، مجمع عمومی هسته مرکزی اختلاف اعراب و اسرائیل را مسئله فلسطین دانست و خواهان فراخواندن کنفرانس بین‌المللی صلح با شرکت همه طرف‌های ذینفع، از جمله ساف شد. این قطعنامه، حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین را مورد تأکید قرار داده و خواهان عقب‌نشینی اسرائیل از مناطق اشغال شده در ۱۹۶۷، از جمله بخش عربی بیت‌المقدس شده است. قطعنامه مزبور همچنین مقرر می‌دارد که حق موجودیت همه کشورهای منطقه باید محفوظ بماند، مسئله آوارگان فلسطینی حل شود، شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی برچیده شود و مناطق اشغالی بطور موقت تحت نظارت سازمان ملل قرار گیرد. مجمع عمومی از شورای امنیت خواسته است برای فراخواندن کنفرانس بین‌المللی، یک کمیته تدارک تشکیل دهد.

اعتصاب هشت میلیون نفره در اسپانیا

صهیونیست‌ها
چهار فلسطینی را کشتند

در مراسم تشییع جنازه یک نوجوان ۱۵ ساله فلسطینی در نابلس، در روز جمعه ۲۵ آذر (۱۶ دسامبر) چهار جوان فلسطینی به ضرب گلوله سربازان اسرائیلی کشته شدند. کارکنان یک بیمارستان نابلس، بزرگترین شهر کرانه غربی رود اردن پس از بیت المقدس، ضمن اعلام این خبر گفتند که نوجوانی که در این روز تشییع می‌شد، در روز ۴ آذر (۲۵ نوامبر) هدف گلوله قرار گرفته بود. این کارکنان افزودند بیش از سی تن در تشییع جنازه توسط صهیونیست‌ها مجروح شده‌اند. یک سخنگوی ارتش اسرائیل در تل‌آویو وقوع حادثه و کشته شدن چهار نفر را تایید کرد. به گزارش پزشکان، برادر نوجوان ۱۵ ساله مقتول نیز در تشییع جنازه شدت زخمی شد. در اعتراض به جنایت جدید صهیونیست‌ها، در نابلس یک اعتصاب عمومی برپا شد. ارتش اسرائیل در این شهر مقررات منع عبور و مرور برقرار کرد. یک دادگاه نظامی اسرائیل، سرباز صهیونیستی را که در ماه مارس از فاصله‌ای کوتاه بسوی یک نوجوان فلسطینی شلیک کرده و او را به قتل رسانده بود، تنها به ۲۱ روز حبس (!) محکوم کرد.

کرکره‌های خود را پائین کشیده بودند. اکثر مدارس، موزه‌ها و سینماها تعطیل بودند. تابلوی "بعثت اعتصاب امروز تعطیل است" در همه جا به چشم می‌خورد. در فرودگاه مادرید، ایستگاه‌های قطار و بازارها جنبه‌های به چشم نمی‌خورد. از ۱۲۰ روزنامه تنها، ۲۰ روزنامه محلی منتشر شد. رادیو تلویزیون دولتی، تنها خلاصه اخبار و موسیقی پخش می‌کردند. حتی فوتبال‌یست‌های حرفه‌ای از شرکت در بازیهای چهارشنبه خودداری کردند و برنامه بازیها تغییر کرد.

خواستهای اتحادیه‌های کارگری عبارت بود از تهیه برنامه‌ای واقعی برای اشتغال از سوی دولت، جبران کاهش قدرت خرید از طریق افزایش حقوق هشت میلیون بازنشسته، کارمند دولت، دریافت‌کنندگان حداقل دستمزد و مقرری بیکاری و حمایت وسیع‌تر از بیکاران، حق قراردادهای جمعی در موسسات عمومی و افزایش حداقل دستمزد و حقوق در سال آینده. در حال حاضر ۱۹ درصد جمعیت قادر به کار اسپانیا، بیکار است که از این میان، بخش بزرگی هیچ مقرری دولتی دریافت نمی‌کند. نیمی از جوانان فاقد آموزش حرفه‌ای و امکان کارایی‌اند.

چهارشنبه ۱۴ دسامبر، اسپانیا بر اثر یک اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته تقریباً بطور کامل از حرکت باز ایستاد. مردم، از فراخوان مشترک همه اتحادیه‌های کارگری برای اعتراض به سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت فلیپه گونزالس نخست وزیر سوسیالیست اسپانیا بطور یکپارچه استقبال کردند. اتحادیه‌های کارگری، اعتصاب را "موقعتی کامل" خواندند. نمایندگان اتحادیه‌های کارگری ضمن ذکر رقم ۷/۸ میلیون نفر بعنوان تعداد اعتصابیون، گفتند: "میزان شرکت در اعتصاب، از خوش‌بینانه‌ترین پیش‌بینی‌های ما نیز فراتر رفت." بزرگترین اعتصاب در اسپانیا از هنگام پایان حکومت رژیم فرانکو تاکنون، توسط "کمیسونهای کارگری" (تحت رهبری کمونیست‌ها) و اتحادیه‌های عمومی کارگری (تحت رهبری سوسیالیست‌ها) سازماندهی شد. در اسپانیا به جز خدمات عاجل و وسایل نقلیه عمومی، بیمارستانها، داروخانه‌ها، آتش‌نشانی و پست که در مورد آن با سدیکاها توافق شده بود، همه چیز به حالت تعطیل در آمد. کارخانه‌ها همه جا تعطیل شد. همه مغازه‌ها و حتی قهوه‌خانه‌ها که معمولاً در اسپانیا مملو از مشتری است،

آزادی شرکت احزاب در انتخابات ۱۹۹۰ مجارستان

کنگره حزب کمونیست پرتغال

کنگره حزب کمونیست پرتغال از اول تا چهارم دسامبر با شرکت دوهزار نماینده و میهمانان خارجی از نزدیک به ۸۰ حزب کمونیست و کارگری و سازمان‌های بخش، برگزار شد. در این کنگره "برنامه‌ای برای یک دموکراسی پیشرفته در قرن بیست و یکم" مورد تصویب قرار گرفت. در این برنامه بر تداوم اندیشه‌های انقلاب آوریل ۱۹۷۴ پرتغال تاکید شده و مفهوم دموکراسی مورد تدقیق قرار گرفته است: اصلاحات ارضی، کنترل کارگری، نفوذ تعیین‌کننده توده‌ها در نظام دولتی و رسانه‌های گروهی.

حزب کمونیست پرتغال "دموکراسی پیشرفته" را مرحله‌ای در مبارزه برای سوسیالیسم می‌داند و بر آنست که مبارزه برای اینگونه دموکراسی، شرایط عینی و ذهنی سوسیالیسم را فراهم می‌کند.

آلوارو کونیا، دبیر کل حزب که در کنگره در سمت خود ابقا شد، بر ضرورت وحدت حزب در مسائل اصولی، ضمن میدان دادن به اندیشه‌های افراد و بحث در باره آنها، تاکید کرد.

از میان دیگر رویدادها

یک دادستان ویژه رژیم پینوشه اعلام کرد کلیه اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی به جرم "خرابکاری" و "دهوت به قهر" تحت تعقیب قرار می‌گیرند. وزیر کشور پینوشه گفته است اجازه فعالیت برای حزب کمونیست شیلی صادر نخواهد شد.

قانون اساسی، در نیمه دوم سال ۱۹۹۰ انتخابات پارلمانی برگزار می‌شود.

برش در گزارش به پلنوم گفت‌وگو حزب سوسیالیست کارگری مجارستان از حق تشکیل سازمانهای سیاسی و تصویب قانون احزاب حمایت می‌کند، اما با یک نظام چند حزبی طبق الگوی غربی و تفسیر بورژوازی نظام چند حزبی مخالف است. کارولی گروش دبیر کل حزب سوسیالیست کارگری مجارستان پس از پلنوم اظهار داشت بعقیده وی، برنامه‌ای مسئولانه برای رشد ملی، در یک نظام یک حزبی نیز امکان پذیر است، اما اگر مردم معتقد به ضرورت یک نظام چند حزبی باشند، حزب مخالفی با این خواست ندارد.

اول آوریل ۱۹۸۹، تاریخ استقلال نامیبیا

خواهد داد. قرارداد براز اوایل پیش‌بینی می‌کند، همزمان با استقلال نامیبیا، خروج نیروی ۵۰ هزار نفری کوبا از آنگولا آغاز شود و ظرف ۲۷ ماه به پایان رسد. سام نجوما رهبر سواپو اعلام کرد نامیبیا مستقل، سیاست عدم تعهد را در پیش خواهد گرفت. وی خواهان بسیج هرچه گسترده‌تر مردم نامیبیا برای شرکت در انتخابات آزاد پیش‌بینی شده در قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت شد و افزود در صورت ممانعت آفریقای جنوبی از پیشرفت راه حل مسالمت‌آمیز، خلق نامیبیا امکانات لازم برای مبارزه مسلحانه را در اختیار دارد.

بدنبال تشکیل پلنوم کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، در بوداپست اعلام شد رهبری حزب از آزادی شرکت احزاب در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۰ مجارستان جانبداری می‌کند. قرار است در هفته جاری، پارلمان مجارستان قانونی درباره آزادی تجمع و تشکل به تصویب برساند. یانوش برش دبیر کمیته مرکزی حزب در گزارش خود به پلنوم، روند تدارک تصویب قانون اساسی جدید مجارستان را نیز تشریح کرد. قانون اساسی جدید قرار است تا ماه مه یا ژوئن ۱۹۸۹ به منظور بررسی به کمیته مرکزی حزب ارائه شود. پس از بحث عمومی در سطح جامعه این طرح در بهار ۱۹۹۰ در دستور کار پارلمان قرار خواهد گرفت و به رای عموم مردم نیز گذاشته خواهد شد. پس از تصویب

روز سه‌شنبه ۱۳ دسامبر، نمایندگان هالی رتبه آنگولا، کوبا، آفریقای جنوبی و آمریکادر براز اوایل پایتخت کنگو قرار دادی امضا کردند که به موجب آن، روز اول آوریل ۱۹۸۹ تاریخ استقلال نامیبیا در چارچوب تحقق قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل، تعیین شده است. سواپو، سازمان خلق آفریقای جنوبی غربی، که به عنوان تنها نماینده قانونی مردم نامیبیا شناخته می‌شود، از امضای قرارداد براز اوایل استقبال کرد. اما اوینتا، باند تروریستی مورد حمایت آفریقای جنوبی که از خاک نامیبیا علیه دولت آنگولا مبارزه می‌کند، اعلام کرد به اقدامات تروریستی خود ادامه

پیروزی بزرگ خلق فلسطین

جمع عمومی سازمان ملل بطور یکپارچه، تنها با رای مخالف آمریکا و اسرائیل، اعلام تشکیل دولت مستقل فلسطینی را به رسمیت شناخت
جمع آمریکا برای مذاکره با سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام آمادگی کرد

هفته گذشته، هفته تحولات بیسابقه در رابطه با مسئله فلسطین بود. این تحولات، در مجموع خود پیروزی بزرگی برای خلق فلسطین محسوب می شود، پیروزی بزرگی که ثابت کرد ثمرات "انتفاضة"، قیام مردم مناطق اشغالی، بازگشت ناپذیر است. نقطه آغاز این تحولات، سخنرانی یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود. همانگونه که در شماره های گذشته "اکثریت" گزارش دادیم، دولت آمریکا به عرفات برای سفر به نیویورک و سخنرانی در اجلاس مجمع عمومی ویزا نداد. مجمع عمومی در واکنش نسبت به این اقدام خودسرانه، تصمیم گرفت بحث خود در باره مسئله فلسطین را به ژنو، مقرر و پای پای سازمان ملل انتقال دهد. با صرف ۱/۵ میلیون دلار هزینه، نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل به ژنو رفتند تا سخنرانی عرفات را بشنوند. عرفات سخنان خود را روز سه شنبه ۱۳ دسامبر ایراد کرد. عرفات در نطق خود گفت خیزش مردم کرانه غربی رود اردن و نوار غزه، با قدرت سال دوم خود را آغاز کرده است. وی افزود متقابل این مردم با ارتش تا دندان مسلح اسرائیل، به داستان کهن داوود و گولیات می ماند. رهبر ساف خاطر نشان کرد مصوبات اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین در الجزیره، مرحله ای جدید در مبارزه خلق فلسطین را آغاز کرده است و در همین حال راه حل مسالمت آمیز مسئله خاور نزدیک را می گشاید. عرفات به ویژه از تلاش های خاویر پروز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل برای حل عادلانه بحران خاور نزدیک تشکر کرد. رئیس کمیته اجرایی ساف با تاکید بر برد هر گونه تروریسم از سوی این سازمان و پذیرش قطعنامه های سازمان ملل، بار دیگر اسرائیل را به مذاکره فراخواند. وی طرح سه ماده ای صلح خود را بدین شرح ارائه کرد:

- تلاش های جدی برای فراخواندن یک کمیته تدارک تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل برای یک کنفرانس بین المللی صلح؛
- قرارداد موقت مناطق اشغالی فلسطین تحت نظارت سازمان ملل و نیز اعزام یک نیروی بین المللی سازمان ملل برای محافظت از مردم فلسطین و نظارت بر عقب نشینی نیروهای اسرائیلی؛
- حل همه جانبه اختلافات با شرکت دولت فلسطین، اسرائیل و سایر کشورهای همسایه در چارچوب یک کنفرانس بین المللی صلح خاور نزدیک بر مبنای قطعنامه های ۲۴۲ و ۲۴۳ شورای امنیت.
اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل بلافاصله پس از سخنرانی عرفات، پیشنهادهای ساف را رد کرد و آن را یک "ترفند" خواند.
در شامگاه چهارشنبه ۱۴ دسامبر به وقت واشنگتن، جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا در یک اقدام غیرمنتظره، آمادگی ایالات متحده برای مذاکره با ساف را اعلام کرد. کاخ سفید اطلاعاتی منتشر کرد که در آن آمده است ریگان رئیس جمهور آمریکا در واپسین روزهای ریاست جمهوری خود اجازه آغاز مذاکره با ساف را صادر کرده و جرج بوش رئیس جمهور منتخب نیز با آن موافقت نموده است. شولتز گفت به سفیر آمریکا در تونس دستور داده است مذاکرات با ساف را برعهده گیرد. وزیر خارجه آمریکا که بزودی جای خود را به بیکر وزیر خارجه کابینه بوش خواهد داد، افزود کماکان میان آمریکا و ساف در رابطه با حل بحران خاور نزدیک اختلاف نظرهای همیتی وجود دارد و تصمیم به مذاکره تنها به معنای پذیرفتن ساف به عنوان طرف مذاکره است. شولتز تاکید کرد دولت فلسطینی توسط آمریکا به رسمیت شناخته نشده است. وزیر خارجه ریگان گفت دستیابی به نتایج مهم در مذاکرات با ساف، بقیه در صفحه ۱۳

از رنج آوارگان کرد در اردوگاه های ترکیه

برسد. او همراه با هزاران تن از کردهای گریخته از عراق، در حاشیه شهر دیاربکر ترکیه در چادرهای نازکی که انسان را از بادهای سرد کوه های از برف پوشیده محفوظ نگه نمی دارند، زندگی می کند. تقریباً هر شب چند کودک خردسال و افراد سالخورده که رنج و مصیبت، ضعیف نشان کرده، می میرند و آوارگان باید روی زمین بخوابند. از تختخوابهای صحرایی خبری نیست، پتو کم است. اشپیگل از قول یکی دیگر از ساکنان اردوگاه می نویسد:

در "اکثریت" شماره ۲۳۵ گزارش دادیم که هزاران آواره کرد که از بمباران شیمیایی و قتل وحشیانه توسط ارتش عراق به ترکیه پناه برده اند، در اردوگاه های شرق ترکیه در شرایط بسیار وخیمی بسر می برند. شرایطی که با مرگ روزانه کودکان، سرمای سخت زمستان، گرسنگی و هراس از آینده همراه است. هفته نامه اشپیگل چاپ آلمان فدرال در شماره ۵ دسامبر خود، گزارشی از وضعیت فاجعه بار اردوگاه های آوارگان کرد



"اگر قرار باشد اینجا بمانیم، همه خواهیم مرد." در ادامه گزارشی می خوانیم: "...چراغهای گازی که ترکها توزیع کرده اند، رایگان نیست. آوارگان که اغلب بدون برداشتن هیچ چیز، فرار کرده اند، باید برای پرکردن کپسولهای گاز پول نقد بپردازند: ۱۳۰۰ لیر (معادل ۳۰/۳۰ دلار). وضع خدمات پزشکی در اردوگاه ها هم چندان بهتر نیست. بخشی از داروهارا تنها بقیه در رصحه ۵

عراقی در ترکیه چاپ کرده است که حاوی نکات تکان دهنده ای است.

در این گزارش آمده است: "شیرهای آب در حاشیه اردوگاه دیگر حتی چکه هم نمی کنند. چندین روز است که آب رسانی متوقف شده است. ساکنان شهر چادرها تنها می توانند از دو چشمه کوچک واقع در بالاتر از اردوگاه آب بیاورند. هم مصطنعی محمد می گوید: "بسیاری حتی شبها برمی خیزند تا آب به آنها

AKSARIYAT
NO.238
MONDAY, 19 DEC '88

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W.GERMANY

حساب بانکی

AUSTRIA . WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR.GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید